

# هیات حاکمه در جستجوی

# نخست وزیر

صف آرای بی در درون هیات حاکمه  
 و صف آرای بوده های انقلابی در مقابل  
 بی هیات حاکمه همچنان ادا مه دارد.  
 و هر چه زمان بیشتر میگذرد، این  
 اختلاف درون حکومت، با شدت و بسا  
 اشکال جدیدی بروز می نماید. مضمون  
 اصلی این اختلافات درون حکومت  
 با شدت و بسا اشکال جدیدی بروز  
 می نماید. مضمون اصلی این اختلافات  
 درون حکومت را همچنان مسئله قدرت  
 و مواضع قدرت تشکیل میدهد. عاملی  
 که آنرا از سویی تشدید میکند و از سویی  
 دیگر ضرورت حفظ بلوک سیاسی موجود  
 را (در حال) به اجبار تبدیل  
 می نماید، جنبش توفنده ای است که  
 میخورد و توفانهای ذاتی سیستم  
 سرما به داری وابسته به امپریالیسم  
 را عمیقتر و لاینحل تر متجلی می سازد  
 بورژوازی لیبرال در هفته گذشته  
 کوشش نمود، با انتخاب نخست وزیر،  
 به یک عوض اندام حقیقی در مقابل  
 جناح خرده بورژوازی حاکم  
 بپردازد. بنی صدر به عنوان رئیس  
 جمهور آنرا اعلام نمود.  
 آنها میخواهند با این انتخاب  
 نخست وزیر و کابینه، مجلس آینده را که  
 از هم اکنون در برابر بورژوازی به  
 موضعگیری پرداخته، از قبل مجلس را  
 به مقابله بکشانند. رأی اعتماد  
 آیت الله خمینی را در برابر برای عدم  
 اعتماد مجلس قرار دهد. به عبارت دیگر  
 پیش از آنکه خرده بورژوازی حاکم  
 سنگر مجلس را اشغال نماید، بورژوا-  
 زی به سنگربندی و موضعگیری در برابر  
 برش پرداخت. بقیه در صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - شماره ۱۲ - دوشنبه ۲۹ اردیبهشت با ضمیمه ۳۰ ریال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.  
 کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند.  
 کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر  
 زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))  
 (ولادیمیر ایلیچ لنین)

## نگاهی مختصر به سه فاکتور برخورد با خرده بورژوازی

مختلف حرکت کند، و بر این پایه  
 موضعگیری و اتخاذ تکتیک نماید،  
 صف بندی کلی و جهانی بین امپریا-  
 لیسم و خلقها را مبنای قضاوت و حرکت  
 خود قرار میدهد. غافل از آنکه سلطه  
 بقیه در صفحه ۳

جریانهای مختلف و در نتیجه موضعگیری  
 در مقابل آنها مبتنی است بر مبارزه با  
 امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی  
 خلقهای جهان. این نگرش بجای  
 آنکه از مبارزه طبقاتی درون سیستم  
 های اقتصادی - اجتماعی کشورهای

چهار لحاظ سیاست عملی و چه از  
 لحاظ تئوری، ما در حرکات ما زمان  
 چریکهای فدایی خلق تئوریزه شدن  
 نوعی گش میوه به مبارزه طبقاتی و امر  
 انقلاب را می بینیم، که بر اساس آن،  
 ارزشیابی سیاسی گروه ها، دولت ها و

## اپوزیسیون نیست گرایش انحرافی در جنبش کمونیستی

مدتی است که از سوی مخالفان  
 هیات حاکمه و احزاب و گروههای  
 دنیا له روان آنها ملامت مختلفی بما و  
 جریانات دیگر هم نظر بما در جنبش  
 کمونیستی وارد میشود. میگویند که ما  
 با اصرار و فشاری بر روی ما هیست  
 ضد انقلابی کل هیات حاکمه و ترویج  
 و تبلیغ این ایده در بین توده ها  
 به اشتباهی بزرگ دچار شده ایم زیرا  
 که "میهن در خطر است" و شانتاژها و  
 تجاوزات آمریکا، مبارزه با قدرت  
 حاکمه را به امری فرعی تقلیل مید-  
 هد. عده ای دیگر توصیه میکنند که به  
 علت آنکه هنوز بخشی مهمی از توده های  
 مردم از اتوبیها و تبلیغات واهی  
 رهبران سنتی خرده بورژوازی خلاصی  
 نیافته اند همین تبعیست نا آگاهانه  
 را دلیلی بر خلقتی بودن جریانی از  
 هیات حاکمه بدانیم و خود و توده را  
 در نهایت به "مبارزه ای همراه با  
 همکاری" و یا بقولی برخوردی دوگانه  
 بکشانیم. طیفی از آنها ملامت مخالفان  
 بقیه در صفحه ۶

مندی است که از سوی مخالفان  
 هیات حاکمه و احزاب و گروههای  
 دنیا له روان آنها ملامت مختلفی بما و  
 جریانات دیگر هم نظر بما در جنبش  
 کمونیستی وارد میشود. میگویند که ما  
 با اصرار و فشاری بر روی ما هیست  
 ضد انقلابی کل هیات حاکمه و ترویج  
 و تبلیغ این ایده در بین توده ها  
 به اشتباهی بزرگ دچار شده ایم زیرا  
 که "میهن در خطر است" و شانتاژها و  
 تجاوزات آمریکا، مبارزه با قدرت  
 حاکمه را به امری فرعی تقلیل مید-

## تاریخچه تشکیلاتی و مبارزاتی "کمیته نبرد" (ضمیمه)

### در صفحات دیگر می خوانید :

- \* همه تجهیزات آمریکائی در خدمت سرکوب خلق کرد.
- \* "بیانیه وحدت" ملغمه تا همگون دلخستگان برآکنده
- \* محاکمه فرما پیشقی شهرام وسعدتی
- \* تفتیش عقاید حتی در "حوزه علمیه"
- \* توقیف نشریات سرکوب نیروهای انقلابی
- \* اخبار جنبش



## خون سرخ رفیق رزمنده ما لکه ننگ دیگری بر چهره کربه دشمن

رفیق محمد ابراهیم (تقی)  
 عباسی، مبارزی که قلبش بخاطر  
 خلق و طبقه کارگر میتپید، در نیسور  
 وحشیانه هلی کوبتهای کبیری  
 آمریکایی، در شهر قهرمان سنج، به  
 نها ت رسید. بقیه در صفحه ۱۲

# کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

# هیات حاکمه در جستجوی

اما تضادهای درون حکومت که به حد کافی بفرنج بودند، پس از این بفرنج ترگرددند. اما مسابلافا مله اوضاع حقیقی هیات حاکمه چنان اینکار را ناممکن نموده که برای مدت نامشخص آنرا به تعویق انداخت. نخست وزیر که هم مورد اعتماد و اتکاء "لیبرالها و اجراء کننده بنام آنها با شوم" خرده بورژوازی حاکم" را راضی کند، نتوانست پیدا شود.

بورژوا لیبرالها که در هفته گذشته با رها با تاکید گفته بودند، با بدقیل از مجلس، نخست وزیر و کابینه انتخاب شوند و شروع به کار نمایند، در انتخاب این کابینه و نخست وزیر در برابر خود نیرویی را که مدتهاست "یشویه خود" حکومت میکند یا قتلند و یکبار دیگر فلج گردیدند. بازرگان گفته بود که ما حتی برای یکروز هم که شده با بدتخت وزیر انتخاب کنیم. بنی مدرا زقا طبعیت خود را بکنه حتما نخست وزیر اقبل از مجلس انتخاب خواهد نمود سخن میگوید. ولی اوضاع حقیقی رویای بنی مدرا را نقش بر آب نمود و بحران حکومت را شدیدتر از سابق، به نمایش گذاشت.

در متن مبارزه طبقاتی وسیع و سختی که جریان دارد، در اوضاع عمومی تجا و زواتنکار و پنهان امپریالیسم و سیاست حکومت در قبال آن در متن سرکوب و کشتار عمومی کارگران و زحمتکشان و خلقها توسط هیات حاکمه، بیروز بجران اخیر، پییزی نیست مگردنبالسه و انکاس همه، این جریان در هیات حاکمه اطمینان بخیر جنبش انقلابی و موقعیت توده ها از لحاظ مبارزه طبقاتی جاری است حکام خود را نشان داد. خلق کرد، به مقامی سخت دست زد که در تاریخ مبارزاتی خلقها ایران کم نظیر است. مقامی که ارتش جمهوری را با معطلاتی درونی در ارتباط با حکومت رو بر واخست. کارگران و زحمتکشان شهر، بی روزا فزون گردیده اند. نتوانست حکومت در جلوگیری از توسعه جنبش و کشتار جنبش انقلابی، اکنون بسر همگان آنگار میگردد. ارتش با همه قوا و نیرویش نتوانست آرزوی دیرینه حکومت را در آورد کردن مره قطع می به خلق کرد و آورد داده سازد. با ساداران نفعات ستمازی از خود به جای گذاشته اند. هر روز اعلام میشود دستند چتسج کردید و روز بعد معلوم میبود، مبارزهای

سخت در سنج جریان دارد. حتی انتخابات جاری، هر جا که شرایط عمومی مسا عدوبه اعتراض و مقاومت مردم در برابر تقلبات بی پایان نمایندگان محلی حکومت علی الخصوص نمایندگان روحانی و امام جمعه ها همراه گشت. در اهواز، جنتی این خلغالی دوم، از ترس اعتراض وسیع مردمی که عقب افتاده ترین آنها تدریجا به صف مبارزه وارد می شود، نتوانست حکم اعدام آتن دیگر از دانشجویان انقلابی را اجرا نماید. تعطیل کارخانه ها و گسترش بیکاری، بظری روجه توسعه تبدیل شده است. تنها در هفته های اخیر چند واحد بزرگ صنعتی و ساختمانی در معرض تعطیل قرار گرفته اند. این وضع، به مبارزه طبقاتی دامن میزند، و هر چه بیشتر آنرا عمق میخشد.

ارگانهای سرکوب حکومت، در برابر این جنبش انقلابی، تا بسه حال نتوانسته اند، انجام کلی کافی بدست آورند. چه ارتش و چه پاسداران. علاوه بر مسئله فوق الزحاط رهبری نیز دچار رشتت و موافقت مختلف گردیده اند. ارتش خود را در گیرنگی در کردستان میباید، که اگر چه از لحاظ نیروی جنگی در آن برتری دارد، اما از لحاظ وضع روحی و مقاومت توده های کرد، کاملاً شکست خورده است. سربازان فرار میکنند و با مردم میپیوندند. بیما رانها ادامه دارد، اما کاری از آنها ساخته نیست. بنی صدر، ما نور خود را در جهت "لیبرال نمایی" سیاسی اکنون یکبار دیگر آغاز کرده است. اصولاً بورژوازی لیبرال که عمق بحران کنونی و خطر سرخ جنبش را بخوبی احساس میکند، به هر تلاشی برای تمرکز قوا، و فشرده کردن ضد انقلاب دست میزند. ولی در شرایط وجود که در جستجوی بدست آوردن اتکاء، توده های است راهی جز ما نورهای "لیبرال نمایان" سیاسی در برابر خود نمیابد. امتیازاتی که آیت الله خمینی در نوروز سال به لیبرالها جهت ادا ره کشور داده بود، عملاً از یکطرف پس گرفته میشوند و از طرف دیگر تا شیری در تشبیت اوضاع نداشتند. بورژوازی لیبرال که از

الها و مجاهدین علی الخصوص بازرگان هستیم!

تبعیلات بر علیه بورژوا لیبرالها، مجاهدین، کمونیستها و همه در ادیو و تلوویزیون و در نشریات متعلق و نزدیک به خرده بورژوازی حاکم شدیدتر میشود. و در پایان کار، مجلس شورای ملی، با اکثریت قابل توجه از نمایندگان حزب جمهوری اسلامی ایران روحانیت مبارز و دیگران به تسخیر خرده بورژوازی حاکم در میآید. بلافاصله رفسنجانسی اعلام میکند: با انتخاب نخست وزیر و کابینه به بعد از تشکیل مجلس موکول میشود. و بهشتی اضافه میکند: تشکیل کابینه و تعیین نخست وزیر قبل از مجلس اشکال دارد چون ممکن است مجلس رای اعتماد بدهد آنها ندهد!

بدون هیچ تردید امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن و اتکاء طبقاتی اش که سرمایه داران باشند، در این میان به بهره برداری و مانور خود مشغولند. آنها اینکار را از طریق مزدوران و مستقیمان و یا بطور مستقیم انجام میدهند. امپریالیسم آمریکا، در عین حال که به ضعف لیبرالهای سرده است، امید خود را نسبت به ایجاد شرایط اغتشاش داخلی و حادث شدن مبارزه هیات حاکمه از دست نداده و چشم انتظار بحرانی تر شدن اوضاع میباشد. تضادهای درونی هیات حاکمه، و تشدید آنها شرایط را مساعدتر میکند تا امپریالیسم آمریکا هر نوع دخالت خود را که ممکن باشد، در جهت تحکیم موقعیت بورژوازی لیبرال انجام دهد. و طبیعی است که هرگاه این عملکردهای حاکمه و تضادهای دورنی اش به قدرت بورژوازی لیبرال بیفزاید، منافع و خواست امپریالیسم آمریکا تأمین خواهد گردید.

اما مسئله اینجاست که جناح بورژوازی لیبرال، بطور کلی ضعیف است و چه جنبش انقلابی چه جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه آنرا ضعیفتر نیز نموده و خواهد نمود.

مبارزه در درون حکومت برای تعیین نخست وزیر جزئی از مبارزه کلی درون هیات حاکمه برای تضعیف و تسخیر مواقع در بلوک سیاسی حاکم است. جزئی از مبارزه عمومی و بحرانی است که جامعه ما را سردر آن فرورفته است.



بقیه از صفحه ۱

# نگاهی مختصر به ...

امپریالیسم برخلفهای کشورهای مختلف بواسطه ویکمک پایگاه و محملی است که در آن کشورها وجود دارد. و این پایگاه مناسبات اقتصادی و وضعیت طبقاتی خاصی است که منطبق با منافع امپریالیسم شده و میباشد. بدین خاطر است که مبارزه در جهت طرد سلطه امپریالیسم و قطع منافع آن درگروا زمین بودن پایگاه امپریالیسم یعنی مناسبات اقتصادی و طبقاتی است که در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد. بعبارت دیگر مبارزه بر علیه امپریالیسم مستلزم و درگروا زمین برداشتن طبقاتی است که پایگاه آن محسوب میشوند، و کلاً اینکه مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی درون کشورها و درگیری امپریالیسم جدایی ناپذیر است.

این نگرش با برجسته کردن مبارزه خلق با امپریالیسم، واقعیت اقتصادی و طبقاتی را که در جامعه وجود دارد، در سایه انداخته و طبقات ضد انقلابی را که با بدهمه امپریالیسم آماج مبارزه انقلابی بوده‌ها بازنه از زیر لبه تیز مبارزه توده‌ها بکناری میگذارد. و با ایجاد مصف بندی مبهم و نامعین خلق و امپریالیسم، زمینه را برای جادان گروه های ضد انقلابی در کبسه گشا دخلق فراهم ساخته، و بدین ترتیب آنها را از آماج انقلاب دور نگاه میدارد.

خلاصه اینکه این نگرش مفهبندی خلق را در برابر دشمنان خلق شنه در رابطه با مبارزه طبقاتی موجود در سیستم اجتماعی حاکم، بلکه صرفاً در رابطه با نیرویی قزاتر از این مبارزه طبقاتی یعنی امپریالیسم تعیین میکند و بنا بر این چنین برخوردی معیاس آنکه نیرویی در جهت خلق باشد یا خارج از آن، مستقل و جدا از سرکوب کشتار، اختناق طبقات و ستمکشی سیله طبقات حاکم میباشد. کافی است که برای فلان نیرو مبارزه امپریالیستی قابل باشیم، تا داستان آنرا که تا مرفق بخون کارگران، دهقانان و زحمتکشان آغشته است، نادیده بگیریم، و آنرا در زمره خلق بحساب آوریم. این تئوریزه کردن از قضاوت "سه تا کتیک..." و در جریبان ترکمن صحرا و مناظره تلویزیونی خود را به نمایش میگذارد و نیز در تهریکات بی دریغ "س.ج.به" زمبملوه" بنه

خاطر پیروزیشان و همچنین تجسید و تحسین خلقهای شرکت کننده در کنفرانس لیبی (که همان دولتهای سوریه، الجزایر، لیبی و... باشند) تجلی مینماید. بارها و بارها از لایق این استدلال و بطور پراکنده و همچنین در برخوردی که نسبت به برنامهداقل "ما زمان چریکهای فدایی خلق ایران" ما نشان دادیم که چه جریانی در حال شکل گیری میباشد. اما همیشه در تئوری و هر استدلالی یک شاه بیت جا و دانسی موجود است و این شاه بیت را "س.ج." در "سه تا کتیک... بخش سوم - کار ۵۱" میسراید.

در این مقاله تئوریک، "س.ج." میخواهد موضع گیری خود را در قبال حکومت توضیح دهد. هر کس میداند که روشن کردن ماهیت هیات حاکمه، ترکیب آن و لاجرم موضع مادر قبال آن چیزی است که گریزنا پذیر میباشد شما میتوانید از تحلیل همه چیز فرار کنید. اما وقتی پای مبارزه طبقاتی در میان باشد، وقتی مسئله نیروهای اجتماعی با سمت های گوناگون در بین باشد، دیگر راه گریزی باقی نخواهد ماند. در این نوشته کوشش میشود، با دقت تمام "خرده بورژوازی حاکم" از دم تیغ انقلاب در امان بماند. روشن تر بیگوئیم توضیح داده میشود که؟ کمونیستها نباید نسبت به اقدامات مختلف هیات حاکمه موضع واحدی داشته باشند. ما باید درک کنیم که حکومت موجود از جهت خلقی بودن با ضد خلقی بودن یکپارچه نیست. اینکه حکومت یک دست خلق را سرکوب میکند ملاک ما در تعیین امر محسوب نمیشود بلکه تضادهای کوچک و بزرگی که یک جناح با امپریالیسم دارد باید مبنای استدلال ما واقع گردد. اگر جناحی از حکومت به اعمال "فد خلقی" بهمراه جناح دیگر مشغول است اما همین جناح تضادهایی نیز با امپریالیسم دارد که مربوط به طبیعت خرده بورژوازی است و از این لحاظ "خلقی" است. ... و بعد جا جا استدلال میگردد که کمونیستها نباید وحدت خلق و نیروهای خلقی و از جمله وحدت پرولتاریا

و خرده بورژوازی را بهم بزنند و باید توجه داشت که بخشی از این نیروی خلقی خرده بورژوازی، همان "خرده وازی حاکم" ایران است.... دنباله بحث همگاملا روشن میباشد: دفاع از یک جناح از هیات حاکمه در برابر جناح دیگر هیات حاکمه! برای ما بیش از هر چیز مبنای تئوریک این استدلال اهمیت دارد "س.ج." میگوید:

"تعداد آن است نشان دهنده که تنها سیاست ضد کمونیستی نمیتواند وابستگی به امپریالیسم و ضد خلقی بودن یک حکومت را به اثبات برساند" کار - ۵۱ - ص ۱۴

یک اصل منطق "س.ج." همین است. اما عبارت فوق به کلی ناقص بوده و با دقت زیر کا نه ای تحریک گردیده است، مسئله ماهیت حاکمیت فقط مربوط به سیاست ضد کمونیستی آن نیست، بعلاوه هیچکس تاکنون نگفته است که جناح خرده بورژوازی حکومت وابسته به امپریالیسم است، پس چه چیزی در اینجا پنهان گردیده و نویسنده سعی کرده خواننده را نسبت به آن متوهم سازد. ما فقط صحبت از سیاست ضد کمونیستی نمیکیم. صحبت از حتی وابستگی خرده بورژوازی حاکم به امپریالیسم هم نمیمانیم.

بحث بر سر سرکوب عمومی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری ایران است کمونیستها در بیسن و همرا با آنها سرکوب شده اند و میشوند نکتند. س.ج. گمان میکند خلق کرد، همان کمونیستها هستند؟ دهقانان ترکمن صحرا همگی کمونیست هستند؟ کارگران اعتمادی و تحمن کننده، کارگران بیکار شهرهای مختلف انتظار س.ج. کمونیست هستند؟ در تمام جریانات فوق البته کمونیستها و نیروهای انقلابی در رهبری یا همراه جنبش بوده اند، هستند، اما این را نمیتوان به همین سادگی و با یک مقایسه با الجزایر لولوت کرد. هر کس بخوبی میداند که خلق کرده خاطر خود مختاری و کسب حقوق خویش مبارزه میکند. س.ج. لابد میگوید: آنها نباید اینکار را انجام دهند. زیرا به وحدت ما یا جناحی از هیات

حاکمه لطمه میزند. آگودکان تازه کتاب خوان بی برده اند که دهقانان ترکمن صحرا به خاطر اینکه انقلابی خود را مصادره زمینهای ملاکان و کنتسول ثورایی آنها به این روز افتاده اند: شهرها به توپ بسته شده و مردم زحمتکش کشتار گردیده و در هیران انقلابی آنها مزرعه ترور شدند. مگر کارگران صنایع فولاد چیزی جز ملی شدن صنایع فولاد است؟ و دانشجویان انقلابی بی، بر رشتل مبارزانش، کارمندان انقلابی، معلمان و... مگر چیزی جز تغییر وضع موجود میخواهند؟ مسئله اصلی آنها تغییر وضع موجود بوده است استقرار امپریالیسم. هیات حاکمه در حالیکه مجموعاً به حفظ سیستم موجود یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مشغولند تا گزیر در برابر توده های انقلابی قرار میگیرند.

این حکومت نمیتواند، برای حفظ خود و برای حفظ سیستم موجود راه دیگری را در پیش گیرد، و درست بهمین علت است که مبارزت به سرکوب و کشتار خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان میکند. قوانین ضد انقلاب بی وضع میکند. دانشگاهها را به مسلسل پاسداران مینندد. ارتشی را که در همکاری و سرپرستی آن نسبت به امپریالیسم آمریکا جای حرفی باقی نمانده است، احیا و تجدید سازمان مینماید. نام این چیزها چیست؟ س.ج. میگوید:

"در اینجا لازم است تاکید کنیم تحلیل از حاکمیت فعلی و این که یک جناح از آن خرده بورژوازی است و در برابر امپریالیسم و در صف خلق قرار دارد، هرگز به مفهوم آن نیست که میتوان در برابر سیاست سرکوب و کشتاری که خرده بورژوازی ضد امپریالیست در قبال کمونیستها در پیش میگیرد سیاست تسلیم طلبی و ممانعت را در پیش گرفت."

کار شماره ۵۱، ص ۱۴

میبینید چگونه حرکات هیات حاکمه را در سرکوب توده ها و انقلابیون و علی الخصوص حرکات همین جناح خرده بورژوازی را سرکوب میگذرانند: "سیاست سرکوب و کشتاری که خرده بورژوازی ضد امپریالیست در قبال کمونیستها در پیش میگرد." دهقانان همان کمونیستها هستند. کارگران همان کمونیستها هستند. خلقها همان

## نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

کمونیستها هستند... دانشجویان و پرستل انقلابی ارتشاً! واقعا انسان باید خواننده را خیلی احمق و دغا را ختلال حواس پهنند زده کسه اینطور تحریف را جانگزين حقيقت نمايد:

اما چرا "س.ج." به این تحریف کاری "درمیغلطد: محور اصلی همه حرفهای "س.ج." این است که بخشی از هیات حاکمه با امیرالیم تضاد دارند پس خلقی بوده و ما نباید ... اما بیایم آنچه را "س.ج." نامشیا نه از چشم انقلابیون میپوشاند و همچون شعبه بازان آنرالی دستمالهای تئوری، تا بود میگذرد بیایم تا محور اصلی فوق را بر ملا نماییم. در واقع هیات حاکمه و ایضا جناح خرده بورژوازی مرفه سستی، در برابر سر خلق ایران به انواع دسایس و کشتار و سرکوب و فریب متوسل شده اند. آنها اینکار را نه در رابطه با "گوتسه نظری" و "تاریک اندیشی" بلکه در رابطه با سیستمی که روبه زوال است انجام میدهند. آنها در قدرت سیاسی قرار دارند و قدرت سیاسی همیشه در خدمت حفظ یک سیستم طبقه تی معین است (مگر در جا معینه سوسیالیستی که در جهت نابودی طبقه عمل میکند). این سیستم، سرمایه داری وابسته به امیرالیم میباشد آنچه که کارگران، دهقانان و زحمتکشان ایران بر علیه آن میجنگند (آگاهها یا ناآگاهها) همین سیستم است. آنچه که هیات حاکمه به حفظ آن مشغولست نیز همین سیستم است.

چونکه این سیستم را حفظ میکنند، کسی که از قدرت سیاسی خود برآورد و تحکیم آن بهره میبرد، و کسی که خلق را (یعنی کارگران، توده، دهقانان و زحمتکشان را) و نه تنها کمونیستها را؛ به این خاطر کشتار میکند، بر علیه خلق و بر علیه انقلاب است. او ضد انقلاب است به حساب میآید. و چون خلق نیروی انقلاب محسوب میشود، بنا بر این عملاً چنین کسی یا دقیقتر جناح خرده بورژوازی مرفه سستی حکومت همراه کسل حکومت ضد این خلق میباشد. چنین جناحی میتواند تضادهای هم در چهار چوب سیستم کنونی با امیرالیم داشته باشد. امیرالیم ممکن است بخاطر سرعت بخشیدن به تامين منافع خود دنیا احساس عدم لیاقت در هیات حاکمه کنونی دربار زگردانیدن سریع امنیت مورد نظر سرمایه داران، و یا

# نگاهی مختصر به ...

حتی بخاطر تضادهای نسبی این جناح با امیرالیم ایران را محاصره اقتصادی و یا حتی مورد تجاوز نظامی قرار دهد، اما ما از س.ج. سؤال میکنیم، به صرف چنین تضادی، که در مقابل تضاد خلق با امیرالیم، تضادی که تا نبودن سیستم سرمایه داری وابسته به امیرالیم به پیش میرود، جناح خرده بورژوازی حاکم، خلقی میشود؟ مسلم است که نه! زیرا ما نشان دادیم که این هیات حاکمه چگونه مشترکاً نه تنها کمونیستها که خلق ایران را قلع و مع می کند و سیستم را حفظ می نماید. (س.ج.) آنچه را حکومت در باره خرده میگوید، ما نندو طوطی تکرار نمی نماید: چون یک جناح از حکومت با امیرالیم تضاد دارد خلقی است!!! حتی اگر عدل خلق ایران باشد!!! (س.ج.) نمیتواند این بار دو کس را حاصل کند زیرا (س.ج.) بجای آنکه هم به مبارزه طبقاتی داخل کشور توجه کند، هم به مبارزه خلق با امیرالیم بطور کلی صرفاً وجه کلی و جهانی قضیه را می بیند، که مثلاً چون خرده بورژوازی کلاً در جنبه مقابل امیرالیم در سطح جهان قرار دارد، پس در حال نیروی بی خلقی است. حتی اگر کمیت و کیفیت کارنا مه سرکوب، ترور و قتل عام آن با مقایسه نسبی، روی رژیم شاه را سفید کرده باشد.

(س.ج.) به جای مبارزه ای که اکنون جریان دارد، بجای ناسودی سیستم، بجای مبارزه حقیقی با امیرالیم، به جای تقویت خلق در مقابل ضد خلق و به جای هر تاکتیک انقلابی به کمونیستها میگوید: رفقا! این هیات حاکمه بعضاً خلقی است، جناحی از آنرا در باره بید و فرا موش نکنید که تجربه نشان داده است حمایت از این جناح به نفع خلق است. اما تضاد با ضد خلق به مؤخر خلق تمام میشود!

(س.ج.) حتی واقعیات بدیهی را فراموش میکند. اکنون "جبهه ملی" "حزب توده"، "س.ج.انی ها" و... با همین استدلال جلومبارزه

صفوف خرده بورژوازی با پرولتاریا جلوگیری شود و حتی الامکان نگذارند که جنبش خلق به بیراهه کشیده شود اما وقتی ... ص ۱۴، کار ۵۱

فکر نمیکنید راه بهتر همان اتحاد آشکارا و علنی با جناح خرده بورژوازی حاکم باشد؟ میبینید که اکنون توده ها علی رغم مبارزه ضد امیرالیم، مبارزه علیه سیستم را فراموش نکرده اند و در حقیقت به پیش از هر چیز علیه آن و از این طریق علیه امیرالیم میجنگند؟ شما کسه اعتقاد دارید بخشی از حکومت ضد امیرالیم است و خلقی است چرا در مقابل آن به دفاع برخاسته اید؟! اصلاً معنی این حرف چیست که نیروی ضد امیرالیم است با شد و بر علیه خلق (و نه ضد آنگونه که س.ج. میگوید فقط کسو نیستها) دست به اقدام بزند اما همچنان نیروی خلق باشد، این نشان میدهد که تئوری شما، تئوری ما و ا طبقاتی و تمام خلقی دیدن، بجای درک تضادهای حقیقی خلق و سیستم، خلق و امیرالیم، دنبال تضاد های درون حکومت جهت پیدا کردن متحد کشتن، چنین تئوری ای از پایه غلط و ابورتونیستی است. همان تئوری قدیمی تمام احزاب روبریو نیست و ساز شکار است؟

تئوری "س.ج." بجای بررسی واقعی طبقاتی، بجای نگاه کردن به مبارزه طبقاتی جاری و صوف بنسندی عینی نیروها از لحاظ سیاسی، بجای اینکه ببینند واقعا چه کسانی با هم متحد هستند بطور مداوم از یک قیاس بر کلی نتیجه میگیرد. و این قیاس بر اساس قانون کلی هر کس با امیرالیم تضاد دارد (حالا این تضاد هر قدر نا چیز باشد و از هر ما هیتی برخوردار باشد مهم نیست) پس خلقی است برآه میافتد، و مرتباً بر فرق خود انده کوبیده میشود. "س.ج." نه تنها در ایران که بطور کلی در سطح جهانی این تئوری را یکار میبرد و آنرا به یک سیستم عمومی تبدیل میکند و به انقلابیون سایر کشورها نیز توصیه مشابه میکند. که این موضوع را در جای دیگر دنبال خواهیم کرد.

\* \* \*

"انقلابیون کمونیست خواهند کوشید تا آنجا که ممکن است در شرایطی که سمت عمده مبارزه ضد امیرالیم است از گسترش مخاصمات قهرآ میز بین

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بیش از چند ماه است که هیأت حاکمه فدا انقلابی، که هنوز ابتدایی ترین مشکلات را نیز نتوانسته است حل بکند، با دستگیری یک مبارز انقلابی - تقی شهرام - تصد فوضلی و مداخله در کار انقلابیون را کرده است!

تقی شهرام، انقلابی مبارزی که دوران درخشانی از مبارزات پیگیر با حکومت فاشیستی شاه را در پشت سر خود دارد، بدلیل انحرافات و اشتباهاتی که مرتکب شد، مورد شائبه و سوءظن مآخذه انقلابیون قرار گرفت و سرانجام نیز به همین اتهام، از عضویت در یک سازمان کمونیستی محروم و به اخراج محکوم شد. ماضی ارج گذاری به مبارزات ماقادمانه او در راه سرنگونی حکومت کثیف محمد رضا شاه بر خورده اشتباهات او را جزو وظایف نیروهای انقلابی کشور ارزیابی کرده و هرگز دخالت تنگ نظرانه و بیو بیزه حسابگرانه حکومتی را که دستش

### محاکمه فرمایشی

## تقی شهرام و سعادت‌نی

ید شهرام، از کثیف ترین اشکال با ز جویی استفاده میکنند.

در میان مبارزینی که در سالهای گذشته در کشور ما به جنگ جنایتکاران ساواک افتادند، کمتر کسی است که از عناصر خود فروخته و ردنی چون احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علاف خبر نداشته باشد، آنان که سالها پیش پس از دستگیری بوسیله پلیس سیاسی، برای نجات از مجازات به خود فروشی و خیانت تن در دادند و سالها "مادقانه" (!) به ساواک خدمت کردند، با یک طعمه دست حکومت با صلاح انقلابی شده و همان نقش کثیف قبلی را، اینبار برای اربابان جدید خود بازی میکنند. احد رضا کریمی که مدتها به نقش جاسوس در سلط

تا مرفق به خون انقلابیون این مرز و بوم آغشته است، در قضاوت نسبت به تقی شهرام مجاز و موجه نمیدانیم.

مردم مبارز ایران باید بدانند که این آقایان، از زمان دستگیری تقی شهرام تا کنون، او را در غیر انسانی ترین شرایط به شدت ترین شکنجه‌های جسمی و روحی محکوم کرده و بقصد بهره برداری رذیلانه از اوضاع بویژه مبارزاتی او، هر روز به رفتار وحشیانه خود میافزایند.

نکته شرم آور و چندان انگیزی که باید به آن اشاره کرد، اینست که حکومت چنان تازه بدوران رسیده، با بهره برداری از کینه‌ای که نسبت به انقلابیون دارند، برای تفتیش عقا

تقی شهرام رفت و آمد میکرد است، پس از روشن شدن دست کثیفش، اینست که همراه با اصغر میرزا جعفر علاف به بازجویی از او و شکنجه وی پرداخته اند. آنها گاهی بوسیله تهدید و گاهی بوسیله تطمیع و التماس میکوشند تا شهرام را وادار کنند که بر علیه نیروهای انقلابی صحبت کند، تا حکومت وحشت زده از جنبش خلق، شاید از این طریق مسخره نیز بتواند به هوجی گری بر علیه انقلابیون ببرد. از دوما هیئت فدا انقلابی خود را هر چه بیشتر پنهان کند، ماضی محکوم کردن این توطئه‌های رذیلانه، برپا کردن هر توطئه خیمه شب بازی را به اسم "محاکمه" بر علیه انقلابیون در بند از جمله رفیق محمد یزدانیان، محمدرضا سعادت‌نی و بویژه برای تقی شهرام یک اقدام کثیف و هوجی گرانه برای فریب خلق، بهورش به انقلابیون و تطهیر ضد انقلابیون قلمداد میکنیم و با تمام قوا در افاضای آن میکوشیم.

## تفتیش عقاید حتی در حوزه علمیه!

حمله به آزاد بیهای سیاسی از دست آورد های قیام خونین بهمن ما است، هر چند ما هب است که شروع شده اما اینک، با عمیق تر شدن مبارزات توده ها و خطرات اساسی که افزایش آگاهی ها برای موجودیت رژیم آفرید است، به وسعت و دامنه جدیدی رسید است. اگر چند ماه قبل، سران مرتجع حزب جمهوری اسلامی، به "حرف" هم که شده بود خود را طرفدار آزادی جازده و فقط در مورد حد و شعور آن چانه میزدند اگر چند ماه پیش، همین حزب، در مجلس خبرگانش، همه آزاد بیهای سیاسی را با نیش قلم، و با سلام و صلوات زیر سؤال برده و از آنها در صفحات قانون اساسی، چیز زیادی باقی نگذاشته اینک حتی چهار چوب خود ساخته قانون اساسی را نیز به زیر سؤال میبرد. روزنامه جمهوری اسلامی، اینک با کمال وقار و حشمت "به مسئولین امر" هشدار میدهد که "پنبه در گوشه پایشان بگذارد" و توجهی به این حرف که "فاشیسم دارد میآید" نداشته باشند و با قاطعیت به سرکوب خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست بپردازند. در مرصه مبارزات طبقاتی خلق و در تلاطم تضاد های هیأت حاکمه، اینک برای حزب جمهوری اسلامی راهی باقی نمانده است جز اینکه با تمام قوا، و با استفاده از همه نیروهای زمینی و آسمانی، به تحمیل بازم بیشتر توده ها بپردازد و در این راه، باید از آناه شدن توده ها

نیز جلوگیری کنند.

این حزب که ادعا میکند ضد امپریالیست ترین حزب و روزنامه اش بشهادت مقامات امریکائی! ضد امپریالیست ترین روزنامه است. در تمام شماره های اخیر ارگانش چیزی جز زمینه چینی برای سرکوب نیروهای انقلابی و تهدید خلق و زمینه چینی برای قبضه قدرت و کنار زدن رقیبان خویش ننوشته است زیرا که عقیده دارد، امپریالیسم در داخل است. امپریالیسم بین کارگران و زحمتشان است. اصلا این زحمت کشان، این کارگران انقلابی، این امصابیون، این روزنامه های انقلابی بی این کمونیستهای که در سالهای اختناق امتحان خویش را پس داده اند و این نیروهای دمکرات انقلابی - بی که سالها مبارزه کرده اند آری اینها خود شان امپریالیست هستند و برای مبارزه با امپریالیسم باید هر جنبه و ای راه نفس حق میکشد. نابود کرد.

اینها، اینک برای قبضه قدرت، هیچ محدودیتی نمی شناسند و اوضاع آنقدر شورا است که به حوزه علمیه قم نیز کشیده شده است. دارو دسته حزب جمهوری اسلامی، در خفه کردن آزاد بیها، حتی پایگاه "روحانیت" را هم فراموش نکرد و اند. برای آنها چه فرقی میکند؟

جماعت "حزب اله" و گاهی تحت پرچم "جبهه ملی" و "جبهه ملی" - مه دادستان انقلاب - در چهار چوب حوزه علمیه قم نیز ندارد زیرا چگونه میتوان از همه بلندگوها و امکنات رژیم در جهت فریب خلق و کوشش در تداوم توهم توده ها استفا ده کرد و آنگاه بتوان نشار افکار و عقاید را، حتی در چهار چوب یک ایدئولوژی خاص تحمل نمود؟ منطبق این حزب، و همه احزاب و جبهاتهای ضد خلقی و ضد انقلابی این است: آندس که مثل من فکر میکنند خالص است و متحنی وابسته به آمریکا. آنکس که در کار بزرگتر هاد حالت میکند حتی اگر هم "سلک" هم باشد خائن التقاطی و مشکوک و عامل امریکاست. اما یک چیز روشن است، خلق ما از تجربه چند دهه اختناق و سرکوب بیرون آمده و هنوز زود است که با همان شیوه ها، با همان مارک زدنها و با همان سیاه راسفید و سفید راسیاه نشان دادنها بتوان آنها را فریب داد. سرفهت و قایع و جریانات و وسعت دامنه مبارزات طبقاتی به قدری است که ضد خلق را مجالسی برای تداوم این پاره سراین ها و این تشبیهات مذبحخانه نیست.

۱- روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۲۲ اردیبهشت.

انتشار نامه ای تحت عنوان "در حوزه علمیه قم چه میگردد؟" در روزنامه "مه انقلاب اسلامی" وسعت ابعد اقدامات ضد خلقی حزب جمهوری در همین حال وسعت مبارزه طبقاتی را که حتی در نهاد های اساسی تحت کنترل بخشی از هیأت حاکمه دامنه پیدا کرده است را نشان میدهد. نویسنده به وجود جو اختناق و ایجاد فشار و تفتیش عقاید اشاره میکند و میگوید: "اگر معیاری برای سنجش داشتیم میفهمید بد که اضطرر - اب روانی در حوزه ها غوغا میکند. اختلال حواس، خود کشی، ... رقم بالای رانشکول میدهد. "و همه" اعلامیه های امام را در طول انقلاب طلبه های جوان و صادق پخش مینمودند و در شهر هاد صرف مقدم تظاهرات بودند و در روستا ها برای تظاهرات، مردم را بسیج نموده و به شهرها گسیل میداشتند ولی چه شد که ناگهان این قشر فدائو کاره ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و همه شان مشکوک و مورد اتهام واقع گشتند؟! و آنانکه در موقع انقلاب به کوشه ای خزیده بودند، انقلابی و دانشه و دز راس امور قرار گرفتند؟! (۱)

به این ترتیب ریشه های شهید گاه و مصله و هوجوم شبه فاشیستی که به مطبوعات و همه آزاد بیهای اساسی، گاهی تحت لوای



# اپورتونیسیم راست...

هیات حاکمه نظیر "کمونیستهای آمر-یکایی" گرفته تا آنها ماتاپورتو - نیستهای راست نظیر "چپ روان وانحراف جوان" سرازیر میشوند تا هر کدام بنوعی ما را از سیاست در پیش گرفته شده منصرف نمایند. و بدنبال آن انواع تضیقات از سوی برای توقیف تشریفات و ضرب و جرح و ترور گرفته تا تخطئه و تبلیغات منفی هر کدام بفرار خور حال آنها رزمندگان نمودار شده قرار میگیرد.

پاسخ محافل هیات حاکمه و مرتدان رویزیونیستی که در پیش خیزدن بقدرت توده راه به پشتیبانی از این بیان جناح مرتجع حاکمه دعوت میکنند معلوم است. پاسخ اینان همان تداوم تبلیغ و تروری و سازماندهی در میان توده ها با همان مضمونی است که بشدت این دستجات از اتهام زندگان را به وحشت انداخته است.

اتهام این دستجات و جنگ تبلیغاتی که بر راه انداخته اند در واقع بعضی از مبارزه میان انقلابیون و مرتجعین با انقلاب و ضد انقلاب است. بر گه های افشاگرانه و تبلیغی ما مدت ها است که پاسخ این دشمنان طبقاتی پرولتاریا و توده زحمتکش را داده و میدهد.

ما این سطور را به بحث با آن دسته اختصاص میدهم که بخیال خود از روی دلسوزی برای جنبش انقلابی و از جمله جنبش کمونیستی توصیه های بی نظیر آنچه در بالا گفتیم را ارائه میکنند.

یگانه پایی که سیاست ما را کمونیستی - لنینیستی میبایست بر آن استوار گردود و اقصیت طبقه تسی جامعه است. پرولتاریا تمام طبقات واقفان را معارضه ای که بهر حال غیر پرولتاریستند و نمیتوانند تا ابد در صف انقلاب بمانند به یک چوب نمیراند. پرولتاریا تمام نیرو و توان خود را بر علیه آن اقش و طبقاتی بکار میبندد که در هر مرحله از انقلاب بنوعی در ضدیت با تحقق اهداف

همان مرحله در میآیند. پس کاملاً ضروری است که تشخیص دهیم که کدام اقشار و طبقات در این مرحله از انقلاب ما در ضدیت با تحقق کدام اهداف انقلاب برخاسته اند. اما واقعیات از چه چیز خبر میدهند و کدام حقایق را کواهی مینمایند؟ برای پاسخ به این سؤال ناچاراً باید قدری بعقب بازگردیم جنبش دموکراتیک عمومی که قریب دو سال پیشه میهن ما را در می نور دید سرانجام

از ته دل خواهان آن بود) القاء نماید. در آن شرایط و اوضاع هیچ نیرویی جزم آن خرد بورژوازی به قدرت رسیده قادر بایفای آن نقش نبود و الحق هم بخوبی آنرا انجام داد.

در طول ۱۵ ماهی که از بقدرت رسید هیات حاکمه میگذرد، خلق کرده مواره ناهدتها جمات و خشیانه پارساران و ارتش بوده است. ترکمن صحرا دو بیار به خون کشیده شده و هر بار پارساران و سپس ارتش بدستور هیات حاکمه به ویران نمودن دستاوردهای مبارزات خلق ترکمن پرداختند. صدها تحصن،

اعتصاب و تظاهرات کارگران تا غسل و بیگار و توده عاصی با سرکوب عوامل حکومت مواجه شده است. خواست انقلاب بی توده دهقانی مبنی بر حاکمیت بر زمین توسط حکومت به بهانه اغتشاش بدوستانها فدای منافع مالکان بزرگ ارضی شده و دهقانان در پیگیری خواسته اشان با آتش و سلاح عوامل حکومت روبرو بوده اند. شبکه هدایت شونده دستجات "حزب الهی" که به جناحهای مختلف هیات حاکمه

وابسته اند دست از ضرب و جرح و ترور نیروهای انقلابی برنداشته اند. "هیات حاکمه" جمهوری اسلامی تنها به رد بیانیه ترین تحریکات مشغول بوده بلکه انواع قوانین و مقررات تجاری را بنام "امت مسلمان" و در واقع با سوء استفاده از احکامات و باورهای توده به اجراء در آورده است و.....

ما تا کنون در تحلیل های خود بکرات این مسئله را روشن نموده و تأکید کرده ایم که سیاست اصلی رژیم حاکم از قیام تا کنون بنا بر ترکیب طبقاتی آن تحمیل و فریب توده ها، جابجایی در مورد فرم های جزئی و عقب افتاده نسبت به خواسته ها و انتظارات توده ها، و سرکوب توده های انقلابی و مبارزی که ما هیات آنرا درک نموده اند، بوده است، و در اینجا به تکرار آن نمیرود رژیم تنها چیزی که لازمست در اینجا روی آن مکت کنیم اینست که:

**اولاً** این ادعا که چون رژیم حاکم هنوز با بقایای رژیم گذشته و امپریالیم آمریکا درگیر کشمکش است لذا کمونیستها میبایست به حمایت از آن یا لاق جناح مترقی آن (لیبرال-دائند داعایی بوج و صداما رکسیستی است.

استدلالی که رویزیونیستها و سایر اپورتونیسستها بکار میبرند، استدلال تنزل سیاست انقلابی به انفعال و حمایت از حکومت به بهانه خط اپورتونیسیم و "پوزیسیون فسوق

ارتجاعی" در چیره نمودن یک "حکومت بدتر" است. ما نیز چنین خطری را تشخیص میدهم و در صورت لزوم تمام قوای خود را بر علیه چنین خطری بکار خواهیم بست، اما تبدیل ضرورت تغییرات تاکتیکی در شرایط اضطراری به یک خط مشی سیاسی و تاکتیکی **مرحله ای** چیزی جز اپورتونیسیم به بدترین شکل آن نیست. ما معتقدیم که خطرا اقدامات مستقیم امپریالیسم فعالیت "پوزیسیون فوق ارتجاعی" و امثالهم، به بهترین حالت خود در شرایط بسیج انقلابی و مسلحانه توده و حاکمیت انقلابی پرولتاریا زحمتکشان مرتجع خواهد شد و هر کسی که ما را برای تخطئه چنین شیوه ای در دفع خطرا زخورات بین راه پترسانند کاری جز طولانی تر نمودن زمان خطر نکرده است.

قفاوت در مورد صحت ادعای هر جزیل نی در مورد مبارزه ضد امپریالیستی میبایست مبتنی بر این باشد که در عمل بر کدام نیرو تکیه میکنند و کدام سیاست را در پیش میگیرند. جریانی که بخواد هدایت تکیه و تقدیس ارتش و با خلق سلاح توده "باجنگ" با امپریالیسم برود در واقع سرازرها ناجای درمی آورد که تا حد آن هستیم: بمباران خلق کرد، بسیج دستجات "حزب الهی" و حمله به نیروهای انقلابی به بهانه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" و اخیراً بورش دیگری به آزادیهای باقی مانده در تبلیغ و تروریسم انقلابیون!

رژیم حاکم در صورتیکه قصد مبارزه واقعی با امپریالیسم را داشته میبایست حداقل دست از سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و دهقانان خرد را بر میداشت. چه کسی بهتر از کارگران و دهقانان مسلح که در شوراها خود متشکل شده باشند میتواند

انند با امپریالیسم و یا دی داخلی آن مبارزه نمایند. رژیم که شوراهای کارگری و دهقانی را بدترین دشمن خود میداند از هیچ اخلاقی در کار آنها فروگذار نمینماید. رژیم که تمام همش مصروف خلق سلاح توده ها و نیروهای انقلابی و تقویت دسته های مسلح خاص است. رژیم که بیشترین توان و نیرویش را را اینک به سرکوب توده های مبارز کرده ستان بکار گرفته است بهیچ رونی نمیتواند ضد امپریالیست باشد و تا مچا روجنال ها و هیات

هوی آن بر علیه آمریکا عملاً تنها درجهت سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی ضد امپریالیست بکار گرفته میشود. رژیم که ادعای مبارزه بر علیه

# اپورتونیسیم راست...

بقایای رژیم گذشته و امپریالیسم را می‌کنند با حداقل از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد بقایای رژیم گذشته توسط توده‌ها که در خلق پادشاهان و پادشاهان و بدست گرفتن امور تولید، در دادن عناوین رفوروسر - سیرده رژیم گذشته تجلی می‌کنند پشیمانی نمی‌ماند. رژیم‌هایی که به حمایت از سرمایه‌داران بر می‌خیزد و کارمندان ساواک را با بازخرید می‌کند و با مجدداً به استخدام در می‌آورد و دستگناه اداره و نظامی رژیم شاه را بازسازی می‌کند در واقع سلطه امپریالیسم و بقایای رژیم گذشته را احیا می‌کند. رژیم‌هایی که ادعای مبارزه ضد امپریالیستی را دارند می‌بایست حداقل کارگران و دهقانان و خلق‌هایی که همواره خواهان مبارزه‌ای پیگیر بر علیه امپریالیسم بوده و هستند را در مبارزات خود زانیدگان را در مبارزات خود و - و چاق و چاقو در تزلزل و شهران و در رودخانه‌های تنگ و راه‌ها و رشت و کردستان و ترکمن صحرا و زنجان بجان آنها نیافتند (۱) حداقل دست از حمایت از فرماندهان مزدور و آمریکایی ارتش و ژاندارمری و عناصر مشابیه آنها در کمپته‌ها و سپاه پاسداران و دیگر دستگناه‌های اداری و نظامی بردارد. ....

**ثانیاً:** مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه بر علیه سیستم سرمایه‌داران وابسته جدا نیست. تا زمانی که رژیم حاکم که بطرز مآرانه‌ای سعی دارد این دور از هم جدا نماید برای توده‌ها به عنوان پادشاهان این نظام افشاء نگردد، تا زمانی که توده‌ها در قید و بند توهم نسبت به رژیم (که سعی در منحرف کردن مبارزات توده‌ها دارد) بر می‌نهد هرگز قادر نخواهند بود به مبارزه‌ای جدی بر علیه نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم اقدام نمایند. اپورتونیسیتی‌هایی که استراژی این مرحله از انقلاب را استقرار "حکومت خلقی" و حکومت "وحدت ملی" تعیین می‌نمایند و واژه‌ای نظیر "خلق" را چون دود غلیظی بر روی محتوای طبقاتی حکومت‌ها می‌کنند قطعاً تا کنیک مرحله‌ای بهتر از "تقویت جناح‌های مطلوب‌تر"

نمی‌توانند داشته باشد. برای کمونیست‌ها انقلاب مأموریتی جز با بگزینی قهری و طبقاتی قدرت سیاسی برای تحول بنیادی در نظام اقتصادی، اجتماعی حاکم بر جامعه (سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم) نمی‌توانند داشته باشد. باید بسیاری پروولتاریا و توده‌ها زحمتکش روشن نمود که کدام اشرار و طبقات به دفاع از نظام به خطر افتاده سرمایه‌داری وابسته در شرایط مبارزه، حاد طبقاتی برخاسته اند و ناهبودی این نظام با چه موانعی روبروست. وقتی بورژوازی در کارخانه و مزرعه، در شهر و روستا در ارتش و دانشگاه به دفاع و حشمانه از نظام موجود و خورد کردن مقام و دست و تعرض پروولتاریا، توده‌ها، دهقانان و دیگر زحمتکشان می‌پردازد، و بصورت یک طبقه در بعد اجتماع پیشرفت انقلاب را در مقابل موقعیت طبقاتی خود دیده و تمام متحدین خود را در میان خرده بورژوازی فوقانی به یاری می‌طلبند. چگونه انقلاب می‌تواند سرنگونی بورژوازی را جز با اهداف خود قرار ندهد؟ وقتی قدرت سیاسی حاکم و حتی همان بخش خرده بورژوازی بی آنرا بشدیدترین تبلیغات و جنون آمیزترین تحریکات و وحشیانه‌ترین حملات بر علیه جنبش انقلابی توده‌های زحمتکش و انقلابیون آنها (اعم از کمونیست و غیر کمونیست) مشغول است، چگونه می‌توان از آگاه نمودن توده‌ها به ماهیت ضد انقلابی آن و دعوت توده‌ها به مبارزه همه‌جا تبه بر علیه آن خودداری نمود؟

**ثالثاً:** بر خوبیاری رژیم از با بگانه توده‌ای (که سرعت در حال از هم پاشی است) بهیچ وجه نمی‌تواند مانع در مقابل کمونیست‌ها برای افشای آن باشد. کمونیست‌ها موظفند که حقایق را هر قدر تلخ باشد به توده‌ها بگویند. کمونیست‌ها موظفند که خرافات توده‌ها را خرافات بنا مند و از اینکه مدتی در اقلیت باشند هر اسی بخورند، ندهند. ما در اقلیت هستیم و تا مدت‌ها نیز در اقلیت خواهیم ماند لیکن این اپورتونیسیم تنفر انگیزی خواهد بود هر گاه ما بخاطر کسب نفوذ موقت توده‌ای حقایق را از توده‌ها پنهان سازیم. حقایقی که روز بروز بیشتر آشکار شده و مشهود می‌گردند. توهم توده‌ها، توهمات، باورها و سطح‌گامی کنونی توده

نسبت به حکومت، نمی‌توانند تغییر یابند. کننده تحلیل‌های طبقاتی و عطف مثنی و تا کنیک‌های ناشی از آن باشد. کسی که تا کنیک (بوده تر از آن حتی استراژی را) صرفاً تا بوسی از کمیت پشتیبانی توده‌ها از جریانات مختلف می‌کند کاری جز دنباله‌روی از توده‌ها و اکتونیسیم نمینا بدو هر گاه چنین تبعیتی به منظور جلب توده دست یافتن با امکانات "راحت تر و بهتر" برای فعالیت باشد اپورتونیسیم است که هیچگاه به هیچ انقلاب توده‌ها موفق نخواهد شد. این سیاست و روش کار بورژوازی است که برای رسیدن به اهداف خود به هر دروغ و تظاهر متوسل می‌گردد. اگر چه روز بروز نیسیم و اپورتونیسیم راست، انحراف عمده جنبش کمونیستی را تشکیل داده است اما واقعیت اینست که در بر خورد با آن خط اپورتونیسیم "چپ" نیز از این جنبش را تهدید می‌کند. این اپورتونیسیم "چپ" اما در تلیق و ظایف جنبش کمونیستی با وضعیت اجتماعی، سیاسی حاکم بر جامعه و شرایط ذهنی بخش عظیمی از توده‌ها برخورد می‌کند. به همین خاطر می‌بایست به وقت از غفلت‌ها، بی اعتنائی‌ها و آن مرض غلطی‌ها که در بگزینی احساسات و تشبیه‌های خودبهای باورهای توده‌ها بروز می‌کنند اجتناب ورزید.

کمونیست‌ها با کار بصورتی که در شرح نظارت خود، ارائه استدلال‌های قابل لمس در صحت آن‌ها، و شوکت خلاق در مبارزه‌های توده‌ها می‌کوشند تا درستی مضمون تبلیغ و ترویج خود را در عمل و در تجربه خود توده‌ها به آنها نشان دهند. از این طریق است که کمونیست‌ها می‌توانند از اقلیت به اکثریت تبدیل شوند. توده‌های مردم را برای انقلاب آماده نمایند. گرایش مغرب اپورتونیسیم "چپ" با فدا کردن محتوای با طر فرم ظاهر "چپ" و کوشش برای انتقال عجلانه "همچنانها و استنتاجات غریبه توده‌ای که هنوز محتاج تجربه" ماهیت جریانات ارتجاعی و سازشکار هستند، مرفی است که لطفاً تسراوان به تبدیل ایده‌های انقلابی به نیروهای مایه در میان توده‌ها وارد می‌کند. با تشخیص اینکه انحراف املسی که جنبش کمونیستی را به مخاطره می‌اندازد انحراف روبرو نیسیم است و راست رویا نه در تحلیل طبقاتی و تمییز بین وظایف کمونیست‌هاست. وقت در روش طرح مسائل برای توده‌هایی که هنوز در آگاهی نازلی نسبت به خرده بورژوازی حاکم و کلا حکومت

بر می‌نمیرد می‌بایست رعایت گردد. در این رابطه توجه به مسئله خطر روانشناسی توده‌ای مرا نظرات مضمون تبلیغ و ترویج انقلابی و اجتناب از جدا شدن از توده‌ها جدا نمودن توده از خود در این تبلیغ و ترویج، سازمان ندهی و هدایت مبارزات جاری ضرورت می‌یابد. مایه با فدا گریه‌ای همه‌جا تبه خود را نسبت به اجزای حکومت برای آگاه نمودن توده‌هایی که هنوز کلبت ارتجاعی آن را در نیافته اند با طه و بگیری ادا می‌دهیم. از طسرح شعارها و خواسته‌ها و انگالی مرمیاب روزه روزی توده‌ها که هنوز از پذیرش و با حداقل موضعی بی‌طرف در مقابل آن دور نیستند اجتناب ورزیم.

**برای تدارک انقلاب بسوی آزادی توده‌ها** توهمات توده‌ها از بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم، بوبرای نیسیل به قدرت است که کمونیست‌ها از "چپ روی" اجتناب می‌کنند. بوبرای سازماندهی انقلابی پروولتاریا توده‌های زحمتکش می‌بهرانند. کارگران آگاه برای نیسیل به قدرت باید اکثریت را بسوی خود جلب نمایند. باید اما مگر توده‌ها فضا را در نیسیل در راه دیگری برای نیسیل به قدرت حاکم وجود ندارد. ما بلانکیست نیستیم یعنی طرفدار تصرف قدرت از طرف یک اقلیت نیستیم. ما بلانکیست یعنی طرفدار مبارزه طبقاتی پروولتاریا با علیه کج سری خرده بورژوازی علیه شوونیسم دفاع طلبانه و مسارت برداری و علیه تبعیت از بورژوازی هستیم.

پس به تشکیل حزب کمونیست پروولتاریا بپردازیم. بهترین هوا داران بلشویسم عناصر ارتش فکلی داده اند. برای فعالیت طبقاتی پروولتاریا متحد شویم. در آن صورت است که روز بروز تعداد هر چه بیشتر از پروولتاریا و دهقانان تهیه است. بهواداری ما برخواهندخواست. زیر **زندگی** هر روز سلطان اوامم خرده بوی ژوایی "سوسیال دموکراسی" بجهیز. دهها، بتره تلی‌ها، اسکات‌ها و سایرین و نیز "سوسیال رولوسینورها" اینسن خرده بورژوازی بی "خالصی" ترونیو و غیره را به ثبوت می‌رساند.

لنین، منتصبه آثار کج طلی، ص ۲۵۷



# بیانیه وحدت: ملغمه‌نا همگون دلخستگان پراکندگی!

نوشته زیر قسمت اول از مقاله‌ای است که قبلاً از سوی "کمیته نبرد" (بیش از وحدت) تهیه شده است. نظریه اهمیت ساله وحدت اصولی در جنبش کمونیستی و ضرورت برخورد به انحرافات که در این رابطه مشاهده می‌شود، این مقاله را پس از تکمیل و تغییرات لازم در قسمت منتشر می‌کنیم. اینک قسمت اول از نظر شما می‌گذرد.

در ۲۱ فروردین ۵۹ بیانیه "وحدت" گروه تحت عنوان "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" منتشر شد. خرسندی از مشاهده تمرکز نیروهای جنبش کمونیستی و یکپارچگی آنها، که اکنون بصورت یک روند در این جنبش آغاز شده است، نمیتواند مانع در مقابل تدابیر مبارزه "ایدئولوژیک" باشد. زیرا پیروزی جنبش کمونیستی بیش از آنچه مدیون بسط تشکیلاتی و بهبود وضعیت اجرایی باشد، در گرو حفظ ایدئولوژی پرولتری در زمینه‌های مختلف و در درجه اول در تشواری و سبک کار است.

ما، علیرغم تأکید و تاکید ضرورت هر چه سریعتر وحدت جنبش کمونیستی، وظیفه خود میدانیم که بر روی اصولی بودن این وحدت نیز با فشاری نمائیم. و در این راه تجربه "کنفرانس وحدت و گرایشهای مختلف در پایان کار آن، تجربه‌ای است که میبایست حداقل از سوی ما و دیگر گروههای شرکت کننده در آن بکار برده شود. ارائه این تجربه بصورت انتزاعی و در توضیح تحولات گاه ملالت آور کنفرانس دردی را دوا نمیکند. آنچه لازمست جمع‌بندی نهایی از نتایج بحثها و تجارب و ارائه آن در برخورد به نظرات و عملکردهای جاری جریانات مختلف جنبش کمونیستی بویژه در رابطه با امر وحدت است.

یکی از محمولات کنفرانس در پایان کار آن، پیدایش یک گرایش لیبرالی در عکس العمل به وضعیت مشتت و بسته در آمده کنفرانس بود. این گرایش بجای آنکه در ادای اصلی یعنی تشتت ایدئولوژیک را تشخیص داده و برای حل آن اقدام نماید، بسراغ معلول یعنی پراکندگی تشکیلاتی رفت. در واقع ضعف کنفرانس در مجموع و انحراف این گرایش از مسئله اصلی (که دیگر در پایان کنفرانس روشن نشده و بصراحت از طریق چند گروه دیگر مطرح میشد) به نوعی تسلیم در مقابل واقعیت تلخ جنبش کمونیستی منجر گشت.

تسلیم به این معنای "اختلافات ایدئولوژیک را فعلاً نمیتوان حل نمود و درست و منوعیت برای موکول نمودن وحدت به آن نمیباشد؛ پس با تنظیم یک پلتفرم عمومی و مورد قبول همه تشکیلات دوران گذاری بوجدیبا بد که در برخورد های رفیقانه درونی این مسائل را بتدریج از طریق مطالعه و تحقیق و بحث و رعایت اکثریت و اقلیت حل نماید". در واقع راه حل فوق به این نتیجه میرسد که اگر وحدت ایدئولوژیک برای وحدت تشکیلاتی جنبش کمونیستی فعلاً مقدور نیست، نمیتوانیم بر آنستیم. میتوان تصمیم گرفت (!) که وحدت ایدئولوژیک ضرورت حیاتی آنچنانی همدارند (!): مخلوطی از لیبرالیسم و اکونومیسم در قالب یک راه حل برای وحدت!

راه حل فوق با یک روحیه پرخاش جویانه بر علیه جریاناتی که ضرورت وحدت ایدئولوژیک را (حداقل در اساسی ترین مسائل استراتژیک و تاکتیکیهای مرحله‌ای منتج از آن) تأکید می‌کردند، از

معضلات فراوان گروههای پراکنده بهره‌جسته و توفیق همگان را در اتخاذ راه حل مورد نظر خود ننوید میدهد. بنظر ما این راه حل تمام وضعیت حاکم بر تشواری و پراکندگی گروههای ادغام شده را به یک تشکیلات "واحد" منتقل نموده، آنرا از درون فلج و مشتتت خواهد ساخت. برخورد ما به بیانیه وحدت بمنظور نشان دادن ریشه‌های بحرانی که راه حل فوق حداقل بخشی از نیروهای جنبش کمونیستی را گرفتار آن میسازد، با شدت رفقای ما در "وحدت انقلابی" از مسیری که در تشواریزه نمودن یک مشی و سبک کارالتقاطی میبایست پندیموقع آگاهی با بند.

سند اعلام میانی "وحدت انقلابی" در واقع سند نقض همان چیزی است که وعده آنرا میدهد یعنی نقض وحدت ایدئولوژیک (!) التقاط بیانشه در پنهان بودن دو نقطه نظر متفاوت در مورد مسائل استراتژیک یک انقلاب، یعنی نقش طبقات مختلف در آن و اهداف این انقلاب است. و ایندو مسئله در واقع جوهر خط مشی تشکیلاتی است. التقاط در آن بصورت یک محبت با زوموکول به آئینده قابل توجیه نیست. میبایست با زوموکول به آئینده هر گاه به اصل و کینه موضوع انقلاب (سرنگونی طبقات حاکم و کسب قدرت سیاسی توسط طبقات جدید) مربوط باشد، در واقع یک وحدت اسمی و توخالی حاصل میشود و هر گاه در مطالب معرفتی و فرعی (نسبت به مسائل قابل طرح در حال حاضر) خلاصه شود، وحدتی نسبی خواهیم داشت که تا مدتها قابل دوا نبوده، چه بسا با حل این مسائل دائمی خواهد شد.

التقاط بیانشه از کجا آغاز میشود؟ از کوشش برای درهم میختن دو تحلیل مختلف از وظایف و اهداف انقلاب و نقش طبقات در آن، در یک "تحلیل واحد"!

۱) نقطه نظری که معتقد است مرحله‌ای از انقلاب بر ما حاکم است که علیرغم تحولاتی که در جاسمه و در قدرت سیاسی آن صورت گرفته است کماکان:

"انقلابی است علیه سلطه امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا، بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم".

(با راگراف دوم، تا کیداز ما است)

جنبش صف بندی طبقاتی که انقلاب بر علیه آنها صورت میگیرد (بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم) تکلیف صف نیروهای انقلاب را روشن میسازد. مسئله گرهی تشواریک در جنبش ما در استراتژی انقلاب، نقش طبقه بورژوازی ایران و اهداف اصلی انقلاب (که همانا سرنگونی طبقه‌ای یا طبقاتی و جایگزینی طبقه یا طبقات دیگر بجای آن است) در مورد این طبقه است. در این نقطه نظر، انقلاب علیه اقشار فوقانی بورژوازی و در بهترین حالت خود با انزوا یا اقشار میانی آن صورت میگیرد. در حقیقت بیانشه بورژوازی متوسط را از صف ضد انقلاب خارج نگه میدارد، و هیچگاه بیگان انقلاب را متوجه بورژوازی متوسط یا لیبرال نمی نماید، بلکه بهنگام محبت از خواسته‌های اساسی انقلاب در کنار آزادی و استقلال سخن از "بحوالای ترین مناسبات استثماری و وابسته زارنده‌ها" می‌زند. این سرنگونی سرمایه داران بزرگ و وابسته، زمینداران و مالکان بزرگ، و محور و رابط کمپرادوری و فئودالی و بازاری اقتصادی در جهت منافع وسیعترین توده‌های خلق "بمیان می‌آورد، که بخوبی نشان میدهد که انقلاب بهیچوجه بر علیه بورژوازی متوسط یا لیبرال نمیباشد. و با توجه به اینکه بیانشه هرگز "حقیقت" معروف "خلق" را بر ما نگشوده، و همانند تمام پوپولیست‌ها از "خلق" بطور کلی و مبهم صحبت کرده است، بر ما روشن نمیشود که آیا بورژوازی متوسط در صف خلق هست یا نه. بیانشه در این رابطه صرفاً استخوان بندی خلق را که کارگران و دهقانان باشند، برای ما تصور کرده و از سایر طبقات و اقشار خلقی سخنی نمیبانید. بیانشه در حال بر رفقای وحدت انقلابی است که برای ما روشن سازند که بورژوازی متوسط در صف خلق قرار دارد، یا در مقابل آنست.

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط



بیانیه وحدت ....

این ابهام در مورد هیأت حاکمه به اوج تاریکی میرسد. مسئله اساسی هر انقلابی همانا قدرت حاکمه است، و طبیعتاً هر بیانی که خطوط مواضع سیاسی یک جریان انقلابی را روشن میسازد، باید تصریح نماید که قدرت حاکمه در دست کیست، و ما هیأت آن چیست. اما بیانی که گذشته از آنکه هیأت حاکمه را ضد خلقی بحساب نمیدارد - بیانی که هیأت حاکمه را ضد انقلابی و با عملکرد ضد خلقی ارزیابی مینماید - هیچگاه روشن نمیکند، که ما هیأت و ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه این مهمترین مسئله انقلاب چیست. بیانیته میگوید:

"هیأت حاکمه ما هیأت بورژوازی دارد!" واقعاً که چه صراحتی! ما هیأت بورژوازی طیف گسترده‌تری از سرخورد بورژوازی را در بیکال تا بورژوازی انحصاری را در بر میگیرد، و بیانیته با طرح مبهم و کلی ما هیأت بورژوازی زیرکانه از زیر طرح دقیق ما - هیأت و ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه ظفره میبرد.

بعلاوه، بیانیته هیأت حاکمه را نه بدلیل ما هیأت و ترکیب طبقاتی اش بلکه بدلیل عملکرد، سیاست و برنام‌های آن ضد انقلابی - و نه ضد خلقی - بشمار می‌آورد. از نظریه‌ها و هیأت حاکمه درست بخاطر اینکه از مبارزات توده‌ها بر علیه بورژوازی بزرگ و وابسته، و امپریالیسم و فئودالیسم جلوگیری میکند، ضد انقلابی است، همچنانکه میخوانیم:

"هیأت حاکمه با سرکوب کارگران و دهقانان که علیه سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان بزرگ و دستگاه بوروکراتیک دولتی مبارزه میکنند، با کشتار روحشیا نه خلقهای تحت ستم که برای حق تعیین سرنوشت علییه ارتجاع و امپریالیسم می‌زنند... دستاویزهای خونین دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب توده‌های مردم را پامال کرده است." (پاراگراف ۹)

این مغبندی از نیروهای ضد انقلاب نه تنها با ضد انقلابی معرفی کردن هیأت حاکمه بخاطر دفاع از آنها در مقابل توده‌ها ترسیم میگردد بلکه با ردیگریا مشخص نمودن سیاست امپریالیسم آمریکا بصورت زیر مورد تاکید قرار میگیرد:

"امپریالیسم آمریکا... تلاش میکند تا با تکیه بر سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان وزمینداران بزرگ و میر تجع... با بهره‌گیری از ابزارهای فشار مستقیم اقتصادی و سیاسی و استفاده از مهربه‌های وابسته و جناح‌های متمایل بخود در درون هیأت حاکمه و تقویت سیاست ما - شکاری و تسلیم طلبی موقعیت گذشته خویش را با زیاده". (پاراگراف ۱۱)

بیانیته بدون آنکه در هیچ کجای خود ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه را روشن نماید، ولی بهر حال و تلویحاً در همین قسمت خود، هیأت حاکمه و یا لاقلاً جناح‌های آن را جدا از "سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان وزمینداران بزرگ و مرتبط" معرفی میکند که امپریالیسم آمریکا با "استفاده از مهربه‌های وابسته و جناح‌های متمایل بخود" در درون آن سیاست خود را دنبال میکند. ادامه، نقل قول فوق این جدایی بخشی از هیأت حاکمه را از "سرمایه داران بزرگ و وابسته... روشنتر میسازد:

"امپریالیسم آمریکا در جهت ایجاد حکومت دست نشانده با وابسته به خود، حکومتی که بتواند "نظم و امنیت دلخواه سرمایه‌های امپریالیستی را فراهم کند و اوضاع را بنفع آنها تثبیت نماید تلاش و توطئه میکند. دامنه و شیوه‌های مختلف این تلاش و توطئه بسیار گسترده و متنوع است و از تلاش برای استحاله "مسالمت آمیز" این هیأت حاکمه به دستگاه دست نشانده خود که بشکل فوق صورت میگیرد.

گرفته تا کودتای طرح ریزی شده (که معنایی جز سرنوشتی جناحی از هیأت حاکمه ندارد) و حتی دخالت مستقیم و غیر مستقیم نظامی (که معنایی جز سرنوشتی تمامی هیأت حاکمه ندارد) را شامل میشود. با توجه به این عوامل و زمینه‌ها ما امپریالیسم آمریکا همچنان دشمن عمده خلقها و انقلاب ایران محسوب میگردد.

حال بیانیته این گفته‌ها را کتا رهم بگذاردیم.

طبقات ضد انقلابی عبارتند از بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم، امپریالیسم آمریکا می‌کوشد این طبقات را به حاکمیت سیاسی مورد نظر خود برساند و برای اینکار به توطئه برای سرنوشتی جناحی از هیأت حاکمه (کودتا) و با تمامی آن (دخالت نظامی) مبارزات می‌برد و دشمن عمده ما است. لازم به توضیح است که بیانیته از آن‌ها نه‌ببین ما هیأت و عملکرد هیأت حاکمه فرق میگذارد، بیانیته با رها و با رها "عملکرد، سیاست و برنامه ضد خلقی" را بکار میبرد اما هیچگاه سخنی از "ما هیأت ضد خلقی هیأت حاکمه" یا اینکه "هیأت حاکمه ضد خلقی است" نمی‌آورد. زیرا که اطلاق ما هیأت ضد خلقی به هیأت حاکمه بلافاصله "وحدت انقلابی" را با تناقض روبرو خواهد ساخت، به همین خاطر بیانیته ترجیح میدهد که از کتا رهم ما هیأت خلقی یا ضد خلقی هیأت حاکمه و در این رابطه ترکیب طبقاتی آن و ندانسته بگیرد، تا شاید بتواند وحدت انقلابی خود را در آن نگه دارد. از نظر بیانیته هیأت حاکمه مبارزه توده‌ها بر علیه این طبقات ضد انقلابی را سرکوب میکند و به این خاطر ضد انقلابی است اما در عین حال جناحی از آن و گاه مجموعه آن با امپریالیسم آمریکا (یعنی دشمن عمده) در میانند پس!.....؟

ضد انقلابی بودن هیأت حاکمه بخاطر سرکوب مبارزات توده‌ها بر علیه طبقات ضد انقلابی (که ترکیب هیأت حاکمه عمدتاً و اساساً غیر آنهاست):

مبهم بودن وضعیت هیأت حاکمه در رابطه با امپریالیسم آمریکا (یعنی دشمن عمده) که در فکر سرنوشتی جناحی و شاید تمامی هیأت حاکمه است، دشمن عمده‌ای که ایضا بفکر تحکیم قدرت سیاسی طبقات ضد انقلابی است!

آیاتینای حل این معما راه دیگری یافت میشود جز اینکه هیأت حاکمه در مجموع (بعلت وجود جناح‌های مختلف) دوگان عمل میکنند؟ آیا اگر ثابت شود که این هیأت حاکمه (حداقل جناح‌های آن) - هر کتھایی هم بر علیه بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم انجام میدهد در ک راه حل معما ساده تر نمیشود که هیأت حاکمه در مقابل تفادها و دشمن عمده دوگان عمل میکند؟ و ضرورتاً برخورد با آن تاکتییک دوگان‌طلب مینماید؟!

بیانیته نمیتواند به پرشی که از نتیجه منطقی تحلیل فوق مطرح میشود پاسخ لازم را بدهد. نه بخاطر اینکه صرفاً ضعف معرفتی دارد بلکه بخاطر آنکه نگرش سیاسی بیانیته متأثر از متدولوژی خاصی است که بنا بر آن عالم‌اطلی و تعیین کننده تغییر و تحولات درون کشورهای تحت سلطه، همان امپریالیسم میباید، و غربان اقتصاد و سیاسی این کشورهای تابع غربان امپریالیسم است. و بر این اساس بدان نتیجه میرسد که تفاد عمده جوامعی مانند ایران تفا خلق با امپریالیسم میباید، صرف نظراً از آنکه، این تفاد بهیچوجه اساسی ترین روند تولید و مناسبات تولید را روشن نمیسازد، و حتی پنهان مینماید آنچه در خوی توجیه است اینکه از نظر متدولوژی، مزبور امپریالیسم بعنوان پدیده‌ی فراطرازیست اقتصاد - اجتماعی ایران - هر چند که با تار و پود آن درهم آمیخته و سیستم مزبور جدا از امپریالیسم نمیتواند بقا، و حاکمیت خود ادا مدهد. مانع عمدتاً با زدارنده، تغییر و تحولات انقلابی در ایران میباید، و سیستم اقتصادی اجتماعی ایران صرفاً حکم محل اجرای این نقش امپریالیسم را دارد و بدین جهت است که امپریالیسم دشمن

بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

بیانیه وحدت ...

عمده تلقی میشود. هرچند که این مبحث مفصل تر و پیچیده تر از آنست که در این مختصر بدان پرداخت ولی لازم به اشاره است، که از نظر ما - نفع عمده تغییر و تحولات انقلابی جامعه ما، نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم می باشد، که این نظام با وجود آنکه از امپریالیسم نمیتواند مستقل باشد و کلا وابسته به آنست، با زیمنا به نظامی از مناسبات و اجزا - و روندها - هر چند وابسته به امپریالیسم - مانع اصلی تغییر و تحولات انقلابی جامعه است، و تا ثیرات عظیم و دیگرگون ساز ناشی از تغییرات درونی امپریالیسم از طریق این نظام مربوط و بواسطه آن نتیجه خود را بوجود می آورد، و بدین جهت ما - تفاد عمده ای بر آن که میباید تا حد امکان با تغییرات انقلابی و تکاملی جامعه درگرو حل آن میباید شد تا در خلق با نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میدانیست، و امپریالیسم در اصل و عمدتاً از طریق این نظام مانع و سلطه خود را تا مینماید، بدون آنکه بخواهیم استقلال نسبی بر نامه - های امپریالیسم را از نظام سرمایه داری وابسته در اشکال گوناگون عملکردهای مستقیم امپریالیسم که در سرکوب مبارزات انقلابی سرورز میکنند دیده بگیریم، اما آنچه میباید در تعیین نقش استراتژیک اقلیت و طبقات و بر نامه های انقلاب در نظر داشت، بر خورد هر کدام از آنها به نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباید شد، و در این رابطه است که میباید صف انقلاب از ضد انقلاب (خلق از ضد خلق) را تفکیک نمود.

نقطه نظر دیگر - هرچند که در بیانیه بطور مغلوب و شرمگینانه خود نمایی میکند - هیات حاکمه را بخاطر ماهیت بورژوازی آن ضد انقلابی میدانند، و چنین تحلیلی را چاره ای جز اعتراف به این واقعیت نیست که حکومت بورژوازی و کلا نظام بورژوازی در مرحله کنونی تکامل مبارزه طبقاتی، ارتجاعی است. زیرا در تمام عرصه ها راه حل بورژوازی در اساسی ترین و عمده ترین شکل خود سد راه انقلاب و تحکیم کننده نظام سرمایه داری است. بعبارت دیگر ادامه انقلاب با تکرار شعارها و خواسته های عمومی میسر نبوده و با طرح شعارها و خواسته های مشخص تر و محتوای تکامل یافته تری است که اجباراً در مقابل محتوی بورژوازی و شکل عمومی طرح آن قرار میگیرد.

نقطه نظر مغلوبی که در بیانیه خود نمایی میکند صرف نظر از تفسیرهایی که حاصلین آن در انطباق نظرات خود با نقطه نظر دیگر دارند در صورت تکامل و تدوام خویش مجبوراً ست دیرباز زوداً اعتراف کنند که ضد انقلابی بودن هیات حاکمه به بخاطر صرفاً سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه سرمایه داران بزرگ و وابسته و زمینداران و مالکان بزرگ و دستگاه بوروکراتیک، یعنی نه بخاطر صرفاً سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه اقلیت بورژوازی و دستگاه بوروکراتیک آن، بلکه بخاطر سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه نظام سرمایه داری وابسته به تمام

وابستگی ها و عقب ماندگیهای آنست. یعنی هیات حاکمه که ترکیب عمده و اساسی آن را بورژوازی بزرگ و وابسته به فئودالها تشکیل میدهد یک است، حکومتی نیست که فقط یا هدف اعمال حاکمیت و حفظ

قدرت گروهی خود برای طبقه، دیگری جانفشانی کند یعنی هیات حاکمه، نماینده اقلیت و طبقاتی است که برای نجات، حفظ قدرت سیاسی و تحکیم این قدرت بشفق طبقات خود مخالفین را سرکوب میکند، و وجه مشترک منافع گروه بندیهای مختلف هیات حاکمه حفظ نظام سرمایه داری و استهلاک و بخراب کردن بر روی مردم تیغ میکشد. یعنی سطح مبارزه، طبقاتی پروولتاریا و متحدین آن از نظر عینی به چنین سطحی کشیده میشود. یعنی بورژوازی تمام آلات فعل خود را از روجا - نیون گرفته تا لبرالها و فرمت طلبان واسطه آنها را بمیدان فرستاد تا یک چیز اساسی روحیاتی ترا از صرفاً اقلیت بورژوازی بزرگ وابسته

و فئودالها را نجات دهد و آن نظام سرمایه داری است. و هیات حاکمه هم با تمام گروه بندیهای مختلف و گاه متفاد آن باین خاطر ضد انقلابی است که با سدا ر چنین نظامی است.

حال اینکه ترکیب بورژوا و خرده بورژوازی هیات حاکمه با چه اتوبی هایی به فریب دادن توده ها و ادامه حماقت تاریخی خود مشغول است، مسئله دیگری است. اینکه جناحی از هیات حاکمه نظام سرمایه داری را جدا از امپریالیسم تصور کرده، رؤیای خام نجات سرمایه داری مستقل "را در شعار تهنه شوقی و نه غربی" جستجو میکند، و یا جناح دیگری رؤیای خاص خود را ب"تکیه به امپریالیستهای تحت ستم اروپا" بی !! دنبال میکند و جناح دیگر واقع بینانه "نجات سرمایه داری را در پیوند با امپریالیسم آمریکا و رد و بدل کردن اطلاعات و مشورت و کمک و ... با آن میبیند بحث دیگری است. میتوان در تاکتیک روز، در روش برخورد، در میان این جریانات مختلف فرق گذاراد ما تا کتیک مرحله ای تنها یک چیز است: افشای تمام اتوبی های بورژوازی و خرده بورژوازی برای توده ها، بسیج پروولتاریا، توده ها، دهقانان و سایر زمینکشان، برای استراتژی. مرحله ای: کسب قدرت سیاسی و تالی بودی نظام سرمایه داری وابسته. البته امپریالیسم آمریکا دشمن ما است نه بخاطر اینکه میکوشد جناح خلیا لیساف تر هیات حاکمه را با کودتای سرنگون کند، و نه بخاطر اینکه گاه بفرجه "نظامی برای تحکیم موقعیت سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان و زمینداران بزرگ و مرتجع" از طریق سرنگونی هیات حاکمه میافتد، بلکه بالاتر از همه اینها و در درجه اول بخاطر اینکه تمام نیروی خود را برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته که این دشمن عمده ما است بکار خواهد برد.

ما معتقدیم که میتوان مبارزه با امپریالیسم آمریکا را با تقویت فلان جناح هیات حاکمه و ادامه من زدن به توده ها نسبت به اتوبی خرده بورژوازی توأم ساخت. ما معتقدیم که دنیا له روی از خط امام "لازمه مبارزه با امپریالیسم نیست، اما معتقدیم که با پدید آمدن پروولتاریا به مبارزه با امپریالیسم رفت و با لخره ما معتقدیم که استفاده از جوانب موقتی تضاد امپریالیسم آمریکا با خط امام "که در عین حال "خط فکونیست" و "خط ناجی نظام سرمایه داری" نیز هست، به پیوجوه احتیاج به خط مشترک سیاسی و تغییرات تاکتیک مرحله ای به تاکتیک "همکاری و مبارزه" با هیات حاکمه ندارد. زیرا خلعت اصلی "خط امام" خلعت تجات نظام سرمایه داری وابسته است. مبارزه طبقاتی جاری در جامعه بسیار سریعتر و قویتر از آن حرکت میکند که چنین تاکتیکهای عقب افتاده ای را تحمل نماید. و آن جریان می موفق به بسیج انقلابی توده ها خواهد بود که باردا اتوبی های بورژوازی و خرده بورژوازی، با افشای ماهیت بورژوازی هیات حاکمه و متوجه نمودن لیه تیز جمله توده ها به بورژوازی، حکومت و کلا نظام آن، حرکت نماید و اما نقطه نظر مغلوب و شرمگین بیانیه در کجا نمایان میشود؟

"استقلال بمعنای قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم، تا مین منافع کلر گران و زمینکشان، بمعنای محو اساسی ترین مناسبات استثماری و وابسته و زارنده در جامعه، یعنی سرنگونی سرمایه داران بزرگ و وابسته، زمینداران و مالکان بزرگ و محور و رابط کمپرادوری (!) و فئودالی و باز سازی اقتصاد کشور در جهت منافع وسیعترین توده های خلق" (پاراگراف ۴)

آیا "پایگاههای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی" امپریالیسم چیزی غیر از طبقات و اقشار بورژوازی و کلا آن نیروهایی است که از نظام سرمایه داری دفاع میکنند؟ یا این بازرگانها و میرانتظامها و یزدیها نبودند که در تدارک احیای قدرت و نفوذ آمریکا تلاش میکردند؟ آیا این ا مثال آنها بمثابة نمایندگان بورژوازی غیر انحصاری و متوسط در صدد باز کردن جایی برای قدرت یا بی مجدد

بقیه در صفحه ۱۳

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

# گزارشی درباره اعتصاب کارگران کوره پزخانه

رشته آجرپزی یکی از رشته‌های اصنایع ایران است که تولید آن در شرایط بسیار ابتدایی صورت میگیرد. کارفرمایان کوره‌های آجرپزی که از نیروی کار ارزان کارگران روستایی سود میبرند هیچ گونه کوششی در جهت مکانیزه کردن تکمیل تولید خود انجام نداده و بطلت عدم آگاهی کارگران روستایی که برای لقمه نانی به شهر آمده اند و اجباراً به همکاری تن میدهند از همان شرایط ابتدایی تولید همسود زیادی میبرند. این شرایط ابتدایی تولید کارگران کوره پزخانه را بسیار دشوار کرده است و کارگران کوره پزخانه یکی از زحمتکشترین کارگران ایران هستند. بطلت همین شرایط عقب مانده تولید فعلی بودن کاور

توسعه یافته و پایان گرفته است. مبارزات کارگران کوره پزخانه حتی در زمان خفقان و محدودیتهای درگیری شدید با ژاندارمها و ارتش همراه بوده است اما بطلت خود بخودی بودن و آگاهی ناچیز کارگران، علیرغم گسترش سریع آن به دیگر کوره پزخانه‌ها، کمتر از ندامت و پیروزی چشمگیری برخوردار است.

کارگران کوره پزخانه‌ها باید از قیام هم‌موازه خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدشان بودند. اما دولت جدید جمهوری اسلامی با حمایت از ماحیان کوره‌ها هیچگاه حاضر به رسیدگی به وضع آنها نبوده است. رژیم جمهوری اسلامی در تمامی اعمال خود ثابت کرده که نه در جهت کارگران و زحمتکشان بلکه همواره در مقابل خواستهای مردم بوده است. در سال

آنها استدلال میکردند که قیمت اجناس و وسایل زندگی چندین برابر شده و هر روز هم افزایش پیدا میکند و تازه قیمت آجر در بازار هم ۱۰۰ تومان برای هر تن اضافه گشته است حقوق ما نیز با افزایش باید. به دنبال این اعتصاب کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد هم به اعتصاب میپیوندند، کارگران اعتصابی محمود آباد دو خاتون آباد و قرچک نزدیک ورامین رفته و از کارگران کوره‌های آنجا هم خواستند که از خواست آنها پشتیبانی کنند. کارگران قرچک نیز دست از کار کشیدند و اعتصاب بعدا دوسه متری پیدا میکنند.

این حرکت با مخالفت جیره‌خواران کارفرما و تشکارها و راننده‌ها روبرو میشود. راننده‌ها و تشکارها که ۱۲ ماه سال مشغول بکار هستند در وضع بهتری از کارگران کوره پزخانه به سر میبرند و با خواست کارگران کوره پزخانه همراهی نکردند.

در جریان این اعتصاب تعداد کارگران اعتصابی به ۱۵ هزار نفر رسید و کارگران اجازه نمیدادند حتی یک آجر از کوره‌ها خارج شده و بفروش

خرده و به سرکار بفرستد، اما کارگران به مقاومت دسته جمعی دست زده و روپوشی روی آنها می‌پوشند و سرشان را با طناب تنها موفق میشوند سلاحهای پاسداران را از کارگران پس بگیرند!

کارگران در پایان آن روز قطع نامه‌ای صادر کرده و در آن خواستار: ۱) افزایش دستمزد از ۷۵ تومان به ۱۲۰ تومان ۲) ساختمان حمام در محل کار ۳) بیمه درمانی، میگردند. کارفرمایان در مقابل مقاومت کارگران راضی میشوند که دستمزد آنها را تا ۱۰۰ تومان بالا ببرند اما کارگران قبول نمیکند و اعتصاب ادامه مییابد.

این اعتصاب بر روی بخش وسیعی از کوره‌های اطراف تهران تا غیر میگذارد و در یکی از کوره پزخانه‌های شادشهر واقع در جاده ساوه یکی از کارگران به نمایندگی از بقیه خولتار افزایش دستمزد از ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان پاسداران کمیته شادشهر او را دستگیر کرده و به کمیته میبرند. در آنجا پس از شکنجه این کارگر می‌رزبه و میگوید: بندگان دیگر حق ندارند از این حرفها بزنند و اگر دفعه دیگر از این کارها کرد

## اخبار جنبش

استفاده از کارگران روستایی که از آگاهی بسیار کمی برخوردارند؛ کارگران کوره پزخانه‌ها از ابتداییترین حقوق کارگران رشته‌های صنعتی محروم هستند آنها به بیمه هستند، ساعت کار معینی ندارند و از دیگر مزایای وام‌مکن، غذای ارزان، سرویس بهره‌ای نمیبرند و حقوقشان نیز بصورت کارمندی پرداخت میشود. و چون کار آنها به تنهایی خرج خود خوانده‌هاشان را نمیدهد مجبور هستند که زنان و بچه‌های کم سن و سالشان را هم با خود بکار بگیرند.

بطلت پراکندگی، ابتدایی بودن شیوه تولید قطعی بودن کار که باعث جابجایی کارگران هم میشود، و آگاهی ناچیز کارگران روستایی مبارزات کارگران کوره پزخانه بسیار وجود آنکه از خنثیت و مبارزه جویبی بسیاری برخوردار است اما همواره به خود بخودی ترین شکل آغاز گشته.

گذشته عده‌ای از کارگران کوره پزخانه‌های خاتون آباد دست به اعتصاب زدند و مزدشان را از ۱۰۰۰ خشت ۵۰ تومان به ۷۵ تومان رسانده اند بعد از افزایش دستمزد کارگران، کارفرمایان که اجراتی ۳۵۰ تومان میفروختند آنرا بصورت قاچاق و در بازار آزادتنی ۴۰۰ تا ۲۵۰ تومان بفروش میرسانند و نرخ دولتی هر تن آجر ۲۸۰ تومان بود ولی کارفرمایان قاچاقی آنرا ۱۸۰ تومان میفروخت و از این ۱۸۰ تومان فقط ۷۵ تومان آنرا بابت کار انجام شده به کارگران میپرداخت.

مبارزات امسال از کوره پزخانه های محمودآباد دوازدهم آذر ۵۹/۲/۶ آغاز شد کارگران با دست زدن به اعتصاب خواهان افزایش دستمزد از هزاری ۷۵ تومان به ۱۲۰ تومان شدند و علاوه بر خواستند که بیمه شده و در محل کار خود حمام داشته باشند.

برسد. کارگران در جریان اعتصاب یکی از کارفرمایان را که مانع و مخالف اعتصاب کارگران کوره خود بسود کتک زدند و همچنین شیشه ماشین بک کبیری را که در مقابل کارگران ایستاده بود شکستند.

در روز اول اعتصاب پاسداران برای خاتمه دادن به اعتصاب به کمک کارفرمایان و سرما به داران آ-مدند و در مقابل مقاومت کارگران شروع به تیراندازی هوایی و برتا پ گاشک آور نمودند کارگران نیز متقابلا دست به کار شده پاسداران را محاصره و آنها را خلع سلاح کردند و ۴ قبضه ۳ آنزنا به غنیمت گرفتند پس از این واقعه در همان روزها سگها با قرآبادیک ریو ارتشی برای سرپا زان ملج به محل اجتماع کارگران می آمد و با تهدید و ارعاب سعی میکنند کارگران را پراکنده

سرکارش با زندان خواهد بود و بعدا و راه کمیته مرکزی میفرستند! کارگران به محض اطلاع از دستگیری نماینده شان سوار ماشین های کمپرسی حمل آجر شرکت شده و در جلو کمیته شادشهر میروند کارگران که تعدادشان به ۲۰۰ نفر میرسد به دستگیری نمایندگان اعتراض میکنند و میخواهند که هر چه زودتر آزاد شود. پاسداران در جواب میگویند او را از اینجا برده اند و کارگران اظهار میکنند که اگر تا آخر امروز او را آزاد نکنند همه کارگران کوره پزخانه های دیگر را به اینجا میآوریم و این محل را روی سرتان خراب میکنیم. کمیته‌چی ها در مقابل این مبارزه قاطع کارگران عقب نشینی کرده و بعد از ۱۸ ساعت نماینده کارگران را آزاد میکنند.

اعتصاب کارگران کوره‌ها بصورت خود بخودی شروع شده بود رهبری نداشت.

## مرگ پرامیر یاليسم و ارتجاع

گزارشی...

شت و بصورتی با زهم خود بخودی به بقیه بخش ها سرایت کرده بود. این اعتصاب یک هفته طول کشید و کوره های قرجک، خاتون آباد، محمودآباد در آن شرکت کردند ما به کوره های جاده ساوه، چهار دانگه و شین آباد سرایت نکرد. در ادامه اعتصاب سندیکا ی کا- رگران کوره ها که محل آن در محمود آباد ( واقع در مسیر جاده خسوران ) است در جریان دخالت کرد. این سندیکا توسط هیئت مؤسس کنفداسیو کارگران ایران که به حزب رنجبران وابسته است، کنترل و هدایت میشود.

سندیکا فوراً خود را در این جریان قرار داد و سعی کرد کارگران را به آرامش دعوت کند. سندیکا به کارگران میگفت که در این شرایط مملکت تماماً به ضرر انقلاب و به نفع ضدانقلاب است! و تلاش میکرد که کارگران را از ادامه اعتصاب بازدارد کارگران برای پاسخ به خواسته های شان مهلتی را تعیین کرده بودند و سندیکا ی فدکا بگری سعی میکرد که تا قبل از پایان این مهلت آنها را سرکارشان بفرستد و وعده میداد که خودخواسته های شان را دنبال کنند. سندیکا از کارگران خواست که از هر کوره یک نماینده انتخاب کرده و روز سه شنبه ۹۹/۲/۱۶ به محل سندیکا بفرستند تا از این طریق به خواسته های شان رسیدگی کنند. و با این فریب کارگر-

ان را از روز شنبه ۹۹/۲/۱۳ به سرکارها- نشان بازگرداند. کارگران در حالی به سرکار می رفتند که - امید داشتند - سندیکا کاری برای شان بکنند و به خواسته های شان جامه عمل بپوشاند. سندیکا بعطت ما هیت فدکا رگریش به احتمال زیاد سعی خواهد کرد برای جلوگیری از گسترش بیشتر اعتصاب که این دفعه مسلماً تمام کوره بزرگانه ها تهران را دربرخواهد گرفت، تا حدی به خواست افزایش دستمزدها رگرا ن پاسخ دهد و به این ترتیب اعتصاب کارگران را هم جلب کند. سر مبارزات کارگران کسوره بزرگانه ها یکبار دیگر نشان داد که حتی رادیکالترین و انقلابی ترین-

مبارزات کارگران و زحمتکشان آنکاه که عنصر آگاهی در آن شرکت داده اند و از نقشه ویرانه های برخورداریا سد و بصورت خود بخودی آغاز شده اند. میتوان با فریب کارگران توسط بورژوازی به شکست منجر شود، اگر کارگران، کمیته و با سادار و ریش را میشناسند و در مقابل سرکوب آنها به اعتصاب خود ادامه میدهند سندیکا ی وابسته به حزب رنجبران، این حزب سرمایه داران هنوز میتواند در لباس دوست کارگران به فریب آنها دست زده و مبارزات آنها را به شیوه ای د- بگرخا موش میکند. شکست یک مبارزه خود بخودی، کارگران مبارز را هر چه بیشتر به لزوم داشتن نقشه و برنامهمفکر شده برای هر حرکت مبارزاتی آگاه میگرداند.

بقیه از صفحه ۱۰

خون سرخ رفیق رزمنده ما...

و هیات حاکمه، با ردیگر، در جنگی سراسر، دست بخون یکی از انقلابیون کمونیست آلوده شد. رفیق تقی با مبارزه شجاعانه میشد. آشنایی با تقی برای هر کس، آشنایی با مبارزه بود و زندگی او، لحظه ای از تاریخ مبارزات پرتشور

مبارزی صدیق و پر شور در راه های زحمتکشان تبدیل کرد. او آنچنان به توده ها عشق میورزید که در میان نمیکند. عشق آتشین او به مبارزه مرزی نمیشناخت-

مبارزاتی او بود، افشاکری های علنی و شعاری روی تخته سیاه تشبیه و توزیع اعلامیه، از کارهایی بود که رفیق به آن مهارت میورزید. او به توده ها عشق میورزید. همیشه میگفت: "با یادرمان توده ها

دستی در ارتباط با محفلی که خود بوجود آورده بوده کار جا ب و پخش اعلامیه و جزوات کمونیستی پرداخت. او همیشه دزبیرس خطر قرار می گرفت و با از خود گذشتگی هایش و عمل متهورانه اش راهنمای دیگران بود.



پرچم خونین سوسیالیزم، با خون سرخ رفیق رزمنده ما، گلگون تر باد!



توده ها و عشق عمیق به توده ها بود. تقی تجلی خورش خلق در روند پرتلاطم تاریخ بود. او یکی از آگاهترین و دلیرترین فرزندان راستین خلق بود. نمونه بارز یک رزمنده کمونیست که هر جا آتش مبارزه تندتر بود و خطر بیشتر احساس میشد، همانجا حضور داشت. تقی با عشق به آرمان طبقه کارگر، با عشق به سوسیالیسم، لحظه ای آرام نداشت. رفیق از دوران کودکی، با در دورنجهای کارگران و زحمتکشان آشنایی پیدا کرد و خیلی زود پایه غرب صه مبارزه گذارد. رفیق که از سال ۱۹۰۵ با ما رکمیس - لنینیم آشنایی پیدا کرد، و این آشنایی او را به

رفیق در این سال، در تب و تاب مشی چریکی تصمیم گرفت به فلسطین برود و در این راه از زاپا نمیشناخت اما بعطت امکانات محدود این عملی نشد. مبارزات رفیق در سال آخر دبیرستان بسیار چشمگیر بود. او در دبیرستان زمبل صداقت، محبت، مفا و صمیمیت بود و همه همکلا سی. هایش با این خصوصیات رفیق را میشناختند. نادگی، برخورد های رفیقانه و منطقی او، بچه ها را خود جلب میکرد و بقول بچه ها خیلی خاکی بود. خیلی بی مذهب بود. دبیرستان یکی از عرصه های

زندگی کرد، و زندگی مشقت بار آنها را لمس کرد. با بدنبش ما با نبش توده ها بزند، با بد وضعیت توده ها را درک کرد. اول لحظه ای آرام نمیکرفت، پسر کاری و بیشتکار، بیگیری و جان سختی در مبارزه، همراه با مداقت سرشار از محبت او، شخصیت برجسته ای به رفیق داده بود. در شرایط خفقان آن سالها، رفیق مبارزه را با دقت و هوشیاری بی نظیری پیش میبرد. به تعدد اد زیادی از محصلین کتاب میداد و آنها را هدایت میکرد. او با ساختن دستگاه پلی کیسی

ناستان ۵۲ سال به چنگ نیروهای امنیتی رژیم شاه افتاد و در زیر شکنجه های وحشیانه ساواک عشق عمیق خویش را به توده ها، به نمایش گذاشت. رفیق زندان را ترصه جدیدی از مبارزه میدید. او میگفت زندان همگ مدرسه مبارزه لطیفی است. رفیق تقی در مدت بسیار کوتاهی در قلب رفقای زندان جای گرفت. ستو همه از صداقتش و ایما نش به توده ها آگاه شده بودند. او کمونیستی بود که واقعیت داشت خلعت با رزش همه را به وجود میادشت.

بقیه در صفحه ۱۳

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده

### توقیف نثریات و سرکوب نیروهای انقلابی

قدوسی، دادستان انقلاب، در اطلاعیه خود، آزادی را بمتابعه هدیه‌ای که رژیم حاکم بر خلق "هدیه کرده" است و گروهها و جریان‌های سیاسی قدرآن را ندانسته "کفران نعمت" کرده اند نام میبرد و قصد خود را در پس گرفتن این "هدیه با تهدیدها و خطراتی شدید و بیستن چنانچه آنها و توقیف چنانچه در آن اعلام میکند.

خلق ما که سالها تحت سلطه اختناق زندگی کرده، این علائم سرکوب، خودکامگی و دیکتاتوری افسارگسیخته را بخوبی میشناسد. راستی چه کسانی از آگاه شدن

این رسم و راه همه، نظا مه‌بان طبقاتی و همه، رژیم‌های ضد خلقی است که از آگاه شدن خلق وحشت دارند. آنها بهره‌خده و قریب و بهر وسیله‌ای دست میزنند تا بتوانند از آگاه شدن خلق جلوگیری کرده و برسانند. مطبوعات آزادی انقلابی چون خاری بر چشم ارتجاع بوده و تحمل آن برایش غیرممکن است این دومین هجوم سازمان یافته به مطبوعات انقلابی است. اگر چه با راول را مقاومت نیروهای انقلابی و هوشتیاری خلق، تا حدی تا کام گذاشت ولی گویا این بار، آنها با عزمی راسخ تر که از تیرسری و وحشت آگاه شدن خلق منشا میگیرد وارد میدان شده و برای همه آگاهان غنچه‌های گرفته‌تافته‌تافته‌تافته را آجاره میدهد، از انبیاها گرفته تا چنانچه آنها و زینت سازها و حروفچین‌ها و خلاصه هر تنه‌سندگی را که در کار چاپ نثریات انقلابی عمل میکنند، خط و نشان میکنند.

روز بروز از طرف ارتجاع مورد حمله قرار میگردد، نه هدیه، ایشان ونه هدیه رژیم، که نتیجه مبارزات طولانی نیروهای انقلابی و کمونیست و خلقهای دلیرو مبارز ایران بوده است که درخت آترابا خون دهها هزار شهید آبیاری کرده و خواهند کرد. نیروهای مبارز و آگاه کمونیست‌ها و انقلابیون همانطور که در رژیم فاشیستی پهلوی علیرغم همه فشارها، زندانها، اعدامها شکنجه‌ها، به انتشار و اوراق و نشریات برای افشاکاری و آگاهسازی خلق میپرداختند، اکنون نیز علیرغم همه تهدیدها و ترورها و زندانها و طیفه انقلابی خویش را در سواست از ارتجاع، به سرانجام خواهند رساند.

در حمله اخیر ارتش و پاسداران ضد خلقی به شهر سنج و بمباران وحشیانه این شهر، رفیق نیز همراهِ دیگر زحمتکشان خلق کرد، به دفاع آزادی پرداخت و سرانجام در جریان یکی از همین بمباران‌ها و بمب‌سوزی‌ها در شهر، توسط هلی‌کوپترهای آمریکایی، به شهادت رسید.

خون رفیق تقی، در درک انقلاب خلقهای ایران جاری شد و حیوانات جاودانه یافت.

یادش گرامی و شهادتش مبارک باد! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع! مرگ بر سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم! درود بر همه شهدای خلق کرد!

در رأس صف ظهارکنندگان چندین هزار نفری بود، او با اوج جنبش بوده‌ای سرازیا نمیشناخت. در این جریان به سختی زخمی شد اما با شوق فراوان به مبارزه خیابانی ادامه داد و در حالی که دیگر توان برایش باقی نمانده بود، هالی محل او را به خانه برده و مداوا میکنند.

رفیق با برخورد ایدئولوژیک با تشکلهای درون جنبش کمونیستی سرانجام به سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر "پیوست و برای ادامه مبارزات راهی کردستان شد. رفیق تقی که فارغ التحصیل رشته شیمی از دانشگاه تبریز بود در سنج در دانشکده تربیت معلم به تدریس پرداخت.

بقیه از صفحه ۱۲

روحیه تهاجمی او در زندان و مبارزه پیگیری که در آنجا میکرد، بارها او را به زیر شکنجه برد. او در حرکت‌های جمعی نقش فعالی داشت. زندان برای او دستاوردهای بی‌شمار بود. از تجربیات به همراه داشت پس از آرد شدن از زندان، رفیق با بیعتی عمیقتر و با درکی درست‌تر از مبارزه، وارد دانشگاه شد، وارد شدن او به دانشگاه آگاهانه نبود. او دانشگاه را عرصه‌ای انبیا رزم میدانست که اگر درست هدایت شود میتواند تا حدی زبانی بی‌توانست حرکت دانشجوئی داخل دانشگاه را به سمت محله‌های کارگری بکشاند، و تظاهرات موضعی

**داران و مالکان بزرگ و روابط "کمپرادوری" (وابستگی!) را میخواهد محو کند.**

در جای دیگر میخوانیم:

"هیات حاکمه که با سوار شدن بر امواج مبارزات و قیام خونین توده‌ها و سازش با امپریالیسم قدرت را بدست گرفت ماهیتی اساسا بورژوازی دارد و بنا بر ماهیت طبقاتی اش ناتوان از حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، عاجز از پاسخ گویی به خواسته‌های دمکراتیک - ضد امپریالیستی مردم و بطور کلی فاقست بتانسیل و توان ادامه انقلاب است." پراگراف ۶

اما با زهم نقطه نظر شرمکینی است و تنها پس از ذکر دلایلی در باب اینکه هیات حاکمه بیلت آنکه جلوی مبارزه توده‌ها بر علیه بورژوازی بزرگ وابسته و فئودال‌ها را گرفته است، در پراگراف ۷، نتیجه میگیرد:

"بدین سان (بناظر ماهیت و با عملکرد؟) هیات حاکمه کنونی ضد انقلابی است و با عملکرد، سیاست و برنامه‌های ضد خلقی خود در مقابل کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و خلقهای استاده است."

امپریالیسم در ایران نبودند، بورژوازی که عم از انحاری و غیر انحاری و بزرگ و متوسط آن در تلاش برای احیای قدرت از دست رفته امپریالیسم میباشند، با بدبختی و یک طبقه درهم شکسته و نا بود گردد. و این مضمون تبلیغ و ترویج و سازماندهی و شعارهای مابرای کسب قدرت سیاسی خواهد بود.

در این صورت، پس چرا بیانییه صرفا به "سرنگونی سرمایه داران بزرگ و وابسته" مینانید، و هیچ سخنی از بورژوازی متوسط که در قدرت است، کمه حضور دارد، بیامان نمیآورد، و هرگز موضع و تاکتیک خود را در برابر این بورژوازی متوسط روشن نمیمازد؟

آیا اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه چیزی غیر از مناسبات سرمایه داری است؟ آیا "اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه" در جامعه مناسبات فئودالی و یا مناسبات اختراعی "کمپرادوری" (!) است؟ (شاید!) آیا واقعا "محواساسی ترین مناسبات استثمارگرانه" است "مورد نظارت و یا تعدیل مظاهر از این "اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه"؟

ملاحظه میکنیم که این نقطه نظر شرمکین است، و نه نظا سرمایه داری وابسته در کلیت خود، بلکه سرمایه داران بزرگ و وابسته، زمین

## سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!



# همه تجهیزات آمریکایی در خدمت سرکوب خلق کرد

بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بوسیدگی سیستم سرمایه داری وابسته و جنش زویه اعتلا توده های انقلابی سمیت هیئت حاکمه را به نهایت درجه ممکن در کردستان بنمایش گذاشته است. هیئت حاکمه با تمام تجهیزاتی که از حکومت شاه به میراث گرفته است بر خلق قهرمان کردهجوم برده است ارتشی که دیروز "میدانهای زاله" طغیان توده های قهرمان مارا در امواج پرتلاطم خویشان برای لحظه ای فرو نشاند "الله زارا" بهشت زهرا "گویا ترین سند" برادری" است امروز با شراره های خشم خلق قهرمان کردستان در دکان شیرخواره و بیابان مردان پر کینه آن به مصاف ایستاده است تا اگر رژیم شاه منقرض شود از بحران نجات دهد. عدالت حکومت جمهوری اسلامی را تحقق بخشد. تا اگر ما هیئت خود را بتما می نتوانستیم در گذشته نشان دهیم ترا در کردستان در موج موج خون خلق قهرمان کردستان پیش بگذاریم و هیئت حاکمه اگر نتوانست که نمیتوانست خواست توده ها را تحقق بخشد کشتار توده ها را با وفا حتی تمام تحقق بخشد. اگر نتوانست ارتش آمریکا ساخته را که خلق آماج حمله خویش قرار داده بود درون ارتش خلق مستحیل نماید آنگاه برای آزادی دهد تا از آن در جهت اصلی سیاست خود که سرکوب خلق است بهره مند شود.

خشکی "که برای کودکان شیرخواره جمع آوری شده بود گسترش داده است عداوت طبقاتی خود را به زخم دیدگان و مجروحین با ضبط دارو پیش برده است. هرگونه امکان نظامی که شاه

بتوانند بقیمت کشتار عمومی خلق کرد "آرامش" غارت و غیانت را به کردستان بازگردانند. اما واقعیت مبارزات توده ها و واقعیت هیئت حاکمه و عمیق بحران خشن تر از آنست که انواع سلاح های سنگین بتوانند یا رای مقابله با آنرا داشته باشد. تاریخی انباشته از ستم و استثمار آنچنان شورمقامتی برای خلق قهرمان کرد فراهم آورده است که سلاح سنگین ضد انقلاب در امواج خون این خلق مدفون خواهد شد. و کردستان



آنچه امروز در کردستان میگذرد و آنچه طی عمر کوتاه هیئت حاکمه در کردستان گذشته است از یکسوی زتاب عالی ترین تجلی مبارزات توده ها است که برای دست یافتن به خواستهای خویش در سبیلی از خون جوانان استوار ایستاده اند و از دست آورده های مبارزات خلق قهرمانان به ساداری مینمایند و از سوی دیگر ما هیئت حاکمه ای را نشان میدهیم که برای پاد ساری از سیستم سرمایه داری وابسته برای انهدام دست آورده های مبارزات خلق کردستان تجهیزات ارتش آمریکا یعنی که روزی بر علیه خلق قهرمان مبارز میرفت بهره مند میشود. هیئت حاکمه به عربان ترین شکل ممکن در کردستان، ما هیئت ضد انقلابی خود را در قطره قطره خون فرزندان دلاور کردستان نمایش گذاشته است و از هیچ خیانتی فروگذار نمیکنند. دامنه محاربه اقتصادی این خلق قهرمان را تا حد ضبط "شیر

عیا نتر میشود. آنها کردستان را میدان آزمون انواع سلاحهای ارتش ضد انقلابی خود کرده است، بمباران فانتوم ها و رگبارهای هلی کوپتر های هیئت حاکمه نتوانسته است مقاومت خلق کرد را درهم شکنند از اینرو ست که طی تقاضایی "خیلی محرمانه" از "لشکر ۲۸ سنج" به "اداره مهندسی ستاد مشترک بخش غرب" خواسته میشود تا فرودگاه سابق سنج را با "اقدام سریع" بمنظور فرود هواپیما هلی ۱۳-۱۶ و وسایل سنگینی "ترمیم شود آنها در این سندی نشان داده اند بهر آنچه در پستوها و انبارهای ارتش کروی آمریکا برای ناوگان فراهم آورده بود متوسل شده اند تا باشد

عرصه مبارزه ای است که تلاش هیئت حاکمه را برای جلوگیری و سرکوب مبارزات توده ها نشان میدهد. کردستان آن سند سرخیست که اوج مقاومت خلق و اوج جنایات یک هیئت حاکمه ضد انقلابی را با خون خلق کرده ثبت رسانده است از هر سو که آنان بر کردستان هجوم آورند و بهر ابراز جنایتی که آنان توشل جویند بحران اجتماعی و اقتصادی از هر سو بر آنان هجوم میبرد و خلق قهرمان کردستان نخواهد بود که ارکان و زحماتشان ما، خلق های ستمدیده، دوشادوش خلق کرد پریم بر افتخار مبارزه را برافراشته خواهند داشت \*

این دست آموزا مبریا لیسیم به خون بیها، زحماتشان فراهم آورده بود بکار گرفته است تا مقاومت این خلق پر افتخار را درهم بکشد. این تهاجم وحشیانه این جنگ و دشمنان خرنین هیئت حاکمه، این تبلیغات انباشته از دروغ و خیانت هیئت حاکمه نمیتواند بر خیزش طوفان زای توده ها در متن بحران عمیق موجود که می رود تا سراسر زمین ما را در بر گیرد غالب آید. مقاومت خلق کرد تجلی گوشه ای از این مبارزات است که رژیم را با تمام تجهیزات و پسران تکرش در منجلی از پشت و فروما یکی فرور برده است. مبارزاتی که از بطن

**برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!**

# تاریخچه تشکیلاتی و مبارزاتی کمیته نبرد

ضمیمه رزمندگان شماره ۱۲

رج را خیره ساخت و بگردن زمان مربوطه حلقه زدند. این مسئله باعث شد که سازمان مربوطه تمام هم و غم خود را به ارائه تئوریهای بازهمداری بگذراند. و فعالیت فوق العاده در بسط تشکیلات دانشجویی در خارج معطوف نماید. ادامه این خط مشی در طول سال فوق (۴۸-۵۲) بندر بیچیک وضعیت بحرانی را در سازمان بوجود آورد. به این ترتیب که سازمان از یکسودر ادامه به ارائه تئوریهای "تاب در باره" لزوم سازماندهی کارگران و دهقانان، ایجاد حزب و... میپرداخت، اما از سوی دیگر تمام نیروی خود را معطوف به بهره برداری از نتایج این فعالیت تئوریک، انتشاراتی و... در میان دانشجویان خارج از کشور مینمود. رفته رفته هم تئوریها در تلاش برای غنا و منطبق شدن با واقعیات جامعه از درون تهی میگشت و به تراوشات ذهنی محافل روشنفکر بیگانه از عرصه عمل تبدیل میشد و هم اینکه تشکیلات وسیع دانشجویی داغ و ملتتهب نیروی بیشتری را برای سازمان یافتن طلب میکرد و سوالات و نیازهای متعددی را پیش میکشید که همگی به چگونگی فعالیت در ایران و چگونگی آماده شدن برای فعالیت در ایران و... مثالهم بازمیگشت.

سازمان در دوره باطل عجیبی گیر کرده بود: از یکسو همه را برای فعالیت در ایران تهییج میکرد و از سوی دیگر تمام نیروی خود را در کنترل این هیجان در دانشجویان اختصاص میداد. ادامه این روش اپورتونیزم شدید فوق العاده ای را در بسط تشکیلات و در میان کادرهای درجه اول آن بوجود آورد. آنها رفته رفته به مرکز ادعا، ارائه طرح، سرگردان کردن افراد، تلقین لزوم تحمل شرایط موجود و... تبدیل شدند.

بحران در سازمان اوج میگرفت و اعضا مادی سازمان زایه ناراضی میشدند. کار بجایی کشید که سازمان مجبور گشت که با اعزام "نقشه مند" هسته هایی از سازمان برای اولین بار کامیسی در جهت تحقق ادعاهای خود بردارد. هسته ما در چنین شرایطی و با تصور اینکه یکی از هسته های متعددی است که در برنا مه انتقال به ایران منظور شده اند بوجود آمد. اما بعد معلوم شد که در واقع اولین آنها بوده است!

در سال ۵۳ سازمان برای فعالیت جدی در انتقال به ایران طرح معینی را تدوین کرده بود. طرحی بنام "دستگاه افشاگری سراسری" که قرار بود چون ایسکرا هم مروج و مبلغ بشود هم سازماندهی همه ایران را بیوشا ندوبه ارگان تغذیه کننده، محافل مختلف، مل تبدیل شود. ارائه این طرح شورجیددی در میان اعضا و هواداران سازمان در خارج بوجود آورد. مطالعه آنها را نتین و موفقیت ایسکرا همه را به هیجان آورده بود. برای اجرای طرح فقط "یک چیز" کم بود، آن محافل مل که در ارتباط با ارگان کارکنند، آن اعضا و تشکیلات سازمان که ارگان را بجز خاندان و ترتیب تدارکات چاپ و حمل و نقل و توزیع آن را بدهد، آن تشکیلاتی که کارگران آگاه را در حواله ارگان جلب کند، آن شبکه گزارش و خبر و تحلیل از بسط جامعه که ارگان را تغذیه نماید، آن وحدت نظر در میان جنبش کمونیستی که لازم است

اکنون دوسال از اعلام موجودیت گروه ما میگذرد. در ۲۵ اردیبهشت ۵۲ گروه برای انجام وظایفی که در پایشگویی به نیازهای جنبش انقلابی بردوش خود احساس میکرد و بدنبال یک دوره کار درونی و مرتبط نمودن محافل مختلف فعالیت گروهی خود را آغاز کرد. دوسالی که از آن هنگام تا بحال گروه ما پشت سر گذارده است، دوسال عادی نبود. دوسال زبهرانی برین و انقلابی ترین دورانهای تاریخ معاصر ایران، دوسالی که هر روز آن خود معادل ماها فعالیت در شرایط عادی بوده است. دوسالی که رشد جنبش انقلابی توده های مردم با قانومندیها و خصوصیتها ی معین خود را و سپس تحولات و فعالیت شدید اقتصا و طبقات مختلف در زمان کم نظیر و از گونی یک رژیم را شاهد بود. دوسالی که بیش از نیمی از آن در انتها ب های مبارزه طبقاتی در اشکال و اعماق جدیدی بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و پاداران جدید آن گذشته است گروه ما کوشید تا در این کارزار عظیم مبارزه طبقاتی، در این طوفانی که خفته ترین گروه های مردم را در دور افتاده ترین نقاط به حرکت درآورد و بدیهم خود تمام امکانات و نیروی خود را بفعل درآورد. آنچه گروه ما در این راه انجام داده است را تنها با بررسی تاریخچه پیدایش گروه و فعالیتهای آن در دورانهای مختلفی که پشت سر گذارده است میتوان بسیافت.

## تاریخچه پیدایش

از اوائل ۵۳ چند نفر از اعضای "سازمان انقلابیون کمونیست" در خارج از کشور به تصمیم سازمان در یک هسته ویژه متشکل شدند تا برای انتقال به ایران و انجام وظایف معینی که سازمان بر عهده آنها میگذا رده آماده شوند. هر کدام از این افراد مدتی در بخشهای مختلف سازمان فعالیت نموده و قابلیت خوبی از خود نشان داده بودند. در آن موقع (سال ۵۳) حدود ۵۰۰ نفر از اعضا سازمان میگذاشتند. در این مدت این سازمان رشد چشمگیری در جنبش دانشجویی خارج از کشور نموده و علت اصلی این رشد عوامل بود: یکی مبارزه با خط مشی اکونومیستی و یوبولیستی سازمان انقلابی در جنبش دانشجویی و دیگری: اتخاذ یک روش فعال و بی پروا در مبارزه با تئوری مشی چریکی، تاکید بر نیروی ضرورت سازماندهی طبقه کارگر و دعوت به فعالیت نقشه مند برای ایجاد حزب از طریق وحدت ملها به مساوات این سازماندهی.

نقطه نظرات تئوریک - سیاسی فوق با توجه به غلبه مشی چریکی در ایران و طبیعتاً با زتاب وسیع آن در خارج، و وجود انواع و اقسام کرایشهای التقاطی در محافل خارج چشم بسیاری از دانشجویان خا-

اجرای موفقیت آمیز طرح باشد...!!

فراهم نمودن بسیاری از تدارکات لازم در ایران، امکانات چاپ، حمل و نقل به شهرها، ایجاد محافل از کارگران پیشرو، ایجاد شبکه، بخش حتی برای شروع کار فراهم نمودن امکان حمل و نقل از مرز بطور مخفی به هسته، جوان و بی تجربه ما و گذارندوبه این ترتیب سازمان مسئله را حل نمود!! اما قبولانده میشد که توانایی هسته اینکارها را بشرط آنکه آماده کنیم داریم و همه چیز را در ایران فرا خواهیم گرفت!! افراد بیشتری بتدریج با ما در تماس گذارده خواهند شد، تماس با گروههای دیگر در ایران فراهم خواهد شد... اگر یک نفر از ما اهل فلان شهر بوده همین برای ایجاد یک حوزه تشکیلاتی در آن شهر کافی بود!! گریکی از ما شنایی در یک شهر مرزی داشت همان برای حل مسئله حمل و نقل مخفی از مرز کافی بود و قس علیهذا.

هسته، ما تا اواخر سال ۵۳ دوره ای از آمادگی شوریک، بیاد گرفتیم فنون عملی (رمز جاسازی و...) را میگذرانند، و در اواخر ۵۳ تا اوائل ۵۴ آماده میدویم و آماده شده و با تکیه و اعتماد به هسته تجاربت فعلی سازمان را در ایران و با اعتماد به آنچه هسته قبولانده شده بود به ایران منتقل شد. از همان ابتدا هسته رفته رفته به پیوج بودن طرحهای ذهنی و ابداً عی سازمان بی میبرد. ارتباطهایی با چند نفر دیگر که قبلاً بطور اتفاقی از طرف سازمان به ایران آمده بودند و قرار بود در اجرای طرحهای سازمان را همتای ما باشند به رسوایی سازمان را برای ما نشان داد. افراد مزبور بنوعیه خود بیاطل وعده های سازمان را تجربه کرده و حتی حاضر نبودند که در باره سازمان صحبت کنند!

هسته در بحران روحی عجیبی بسر میبرد، مشکلات افراد آن که در اثر تعقیب ساواک شدت یافته بود، پراکندگی آن و مشاهده وضعیت جامعه که کلاً با ارزیابی های سازمان تناقض داشت هسته را غافلگیر نموده بود. هسته هنوز نمیتوانست به ریشه، انحرافات و درهای خود که ادا نموده، انحرافات سازمان بودی ببرد. بعداً هیچکدام از قراهای از قبل تعیین شده برای الحاق افراد جدید به هسته از روی سازمان اجرا نشد. و در تماسهای بعد معلوم شد که سازمان یا فراموش کرده، یا صلاح ندیده و یا بیور کراسی تشکیلاتی اجازه انجام تعهدات خود را نداده است.

بتدریج هسته در محیط کار روزنگی خود به امکانات مستقلی دست یافت. با محافل و افرادی از آگهی میگذشت و این بیرویه هر چند کند و گام به گام پیش میرفت ولی تنها امیدوزمین، فعلیت هسته بود. هسته عملاً با سازمان بی ارتباط بود، عملاً از طرح آن خارج شده بود، عملاً به بیاطل ادعاها و طرحهای سازمان بی میبرد ولی هنوز انتقاد خود را بصورت یک نظر مشخص و تدوین شده در دنیا ورده و هنوز در تلاش به بود تا سها و متوجه نمودن سازمان به امکاناتی که هسته خود مستقل بدست میآورد بود هر کدام از امثالها نشان میداد که سازمان غرق در فعلیتهای دانشجویی، غرق در اپورتونیزم بوده و بصراحت فقدان برنامها و توجه خود را نسبت به فعلیت در ایران توجیه میکند و تمام نیروی خود را به بحث های روشنفکرانه به اراشه نظریات دور از واقعیت و به ادا نمودن کراسی اپورتونیزمی در خارج از کشور معطوف میدارد.

تا سال ۵۶ که او جگیری مبارزات طبقاتی در جامعه قابل لمس شد، کار هسته تلاش در سازمان دادن و فعال کردن محافل مرتبط با خود بود که تا آن زمان فعلیتهای انفرادی و پراکنده مینمودند. افرادی این محافل گاه اعلامیه ای را دست نویس نموده و یا چاپ ابداً ایی دست میگردند، و بخش مینمودند. جلسات مخفی چند نفره به روشنفکران و کارگران معدودی که تماس داشتند برقرار میکردند و بسط مطالعه و فعلیت خفیف در محیط مشغول بودند. این محافل که بسط هسته در ارتباط بودند هنوز بعنوان یک گروه نه انجاء تشکیلاتی داشتند و نه برنامها و فعال هسته تا این زمان معلول دعا ملبود:

الف - فریبی که خود هسته از نظر روحی و گسست تشکیلاتی در رابطه با سازمان انقلابیون کمونیست (که در اواسط ۵۶ دیگر اتحاد به نام گرفته بود) خورده و هنوز از آن کیج و آشفته بوده و از ریشه یابی آن نتوان بودند.

ب - ناروشن بودن و عام بودن ارتباطات جدید و وضعیت محافل که مجموعه را از یک حرکت جدی و با برنامها نتوان میساخت.

بهر حال او جگیری مبارزات طبقاتی که از مبارزات مسررم خارج از محدوده شهرها آغاز شد چون آژیر در گوش افراشته و همسه رفقای مرتبط بصدا در آمدولزوم یک حرکت جدی در شرکت در مبارزات توده ها و استقبال از دوره اعتلای مبارزات طبقاتی را گوشزد نمود. در اواخر سال ۵۶ آخرین تماس با خارج برقرار شد. گزارش تماس اساساً به بیپوده بودن انتظارات از خارج گواهی میداد. در این تماس اگر چه سازمان با مشاهده امکانات هسته ما در ایران بطمع افتاده و قول مساعدت و کمیل کادرهای رهبری را برای استفاده از این امکانات داده بود. و برای اینکار قرارهای لازم گذارده بود (قرارهایی که هیچکس در آنها از طرف سازمان ظاهر نشد)، اما هسته شدت و بیش از پیش به سازمان بدبین گشت زیرا:

اولاً: در تماسهای فوق روشن شد که سازمان دچار همان وضعیت معترض و اپورتونیزمی سابق است و حتی بعد مسائلی بجایی کشیده که در آستانه انشعاب قرار گرفته است و مسابقه غیر اصولی برای غصب امکانات تشکیلاتی در خارج و در ایران در جریان است.

ثانیاً: از نظر شوریک و سیاسی ارزیابی سازمان از اوضاع ایران شدت اشتباه است و همچنان گذشته در محاسبه های روشنفکرانه خلاصه میشود.

به این ترتیب پس از این تماس هسته تصمیم گرفت که مستقلاً به مثابه گروهی جدید اعلام موجودیت نموده و فعلیت پراکنده و معجز را بسط فعلیت گروهی با هویت معین و ثابت ادا دهد. کار سازمان ندهی، برنامهریزی و فعلیت مشخص بگونه ای جدید شروع شد. اما هسته تصمیم گرفت که فعلیت بیرونی خود را موکول به پیشرفت در امور درونی ننماید و با توجه به مبارزات طبقاتی که روز بروز شدت میگیرد توجه اصلی خود را به تبلیغ و ترویج و سازمان ندهی توده مردم در حد امکانات خویش بپیوزاد زده همین خاطر هسته تا نام کمیته نبرد را انتخاب کرد. زیرا شکل گروه بصورت محافلی بود که توسط هسته بهم مرتبط میشدند محافلی که هنوز نظم تشکیلاتی و آن روابط و ضوابط لازم در آن بوجود نیا مده بود.

تازمان قیام بهمن ۵۷ فعلیتهای برجسته گروه به طور خلاصه عبارت بودند از:

(۱) انتشار منظم اعلامیه های عمومی تبلیغی و افشاگرانه و اعلامیه های کارگری که بویژه بر ضرورت های مبارزاتی در محیط های کارگری (سندیکا، اعتصاب و...) تأکید میکردند. انتشار رایسن اعلامیه ها با مولف نمودن رفقا به شرکت فعال در مبارزه جاری توده ها و مطالبه مسائل و رهنمودهای لازم صورت میگرفت.

(۲) کوشش در سازمان دادن حرکت های توده های در حد مقدورات گروه. در این رابطه گروه نقش مهمی در سازمان دادن تظاهرات مستقل نیروهای چپ بویژه در اعتراضات ۷۷ در تهران ایفا نمود.

(۳) کوشش در استفاده از ارتباطات و امکانات گروه در سازمان دادن اعتصابات و تظاهرات در محیط های کارگری بویژه در حکومت نظامی. در این رابطه گروه بخصوص موفقیت های بزرگی در بر سر انداختن اعتصاب و تظاهرات ورهبری مبارزه در یکی از مراکز بزرگ صنعتی بدست آورد که با پیگیری های بعدی هم چنان در رأس مبارزات جاری باقی ماند.

(۴) علاوه بر اعلامیه های متعددی که از جمله در باره مبارزات کارگران صنعت نفت انتشار میافت گروه توانست از ارتباطات موجود استفاده نموده و نشریه منظم بویژه صنعت نفت را از دی ماه ۵۷ منتشر نماید که قریب یکسال ادا مہ یافت و در همان شماره های اول به معروف ترین و معتبرترین نشریه ویژه صنعت نفت تبدیل گشت.

قیام بهمن ۵۷ سرنگونی رژیم شاه، مبارزات عمومی توده های مردم را بیش از پیش جنبه طبقاتی بخشید. وقتی بورژوازی و متحدین او به ترمیم و ساختن شکل جدیدی از حکومت بورژوازی مشغول شدند، ضرورت شکل و آسلاگی هر چه سریعتر برولتاریا و متحدین او بر ای در هم شکستن این نظام عرصه جدیدی از فعالیت را در میان توده

برولتری و زحمتکش میگوید در این شرایط گروه همچنان تمام نیروها و امکانات خود را متوجه جنبش کارگری نمود و پیروان سیاست از امکانات فعالیت در عرصه های دیگر و مهمتر از همه جنبش دانشجویی چشم پوشید. اتحاد این سیاست اگرچه نیرو و توجه را به یک نقطه متمرکز نمود، اما در همین حال گروه را از امکانات گسترده ای که جنبش دانشجویی در خدمت تبلیغ و ترویج و بسط آگاهی در میان زحمتکشان بوجود می آورد، محروم میساخت. در آن هنگام گروه بدون آنکه فعالیت جنبش کارگری را در میان دانشجویان رانگی نماید اما بر این عقیده بود که امکانات محدود خود را در نیامیایست در چندین عرصه پخش نمود بلکه با تمرکز نیرو و اندیشه در یک عرصه (کارگری) و فعالیتهای مربوط به آن بازدهی گروه از نظر کیفی بسیار بیشتر خواهد بود.

در ادامه این سیاست گروه نیروهای خود را به استفاده از تمام امکانات و بهبود فعالیتهای قبلی در جنبش کارگری در آورد. سازماندهی جدیدی در فعالیتهای سابق در نظر گرفته شد که در نتیجه آن در رهبری و ابتکار عمل در سطوح مختلف در ادامه مبارزات قبل از قیام در یکی از مراکز صنعتی باقی مانده و تحکیم شده است. گروه سازماندهی و رهبری کامل مبارزات کارگران کارخانه دیگری را برای مدت شش ماه از اولین تحمّن تا اشغال کارخانه و ادامه راه دستجمعی آن بعهده داشت که عاقبت با حمله مسلحانه عوامل کارفرما و کمیته وادگاه "انقلاب"!

و اخراج و جرح و تعقیب کارگران مواجه شد. تجربیات فراوان و آموخته های مهمی در اثر این مبارزات ثبات نوری و بیگرنج عاید گروه گردید. همچنین گروه "پیشاز" "نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت" را که در دی ماه ۵۷ در زمان اعتصاب کارگران صنعت نفت پا به گذاری نمود بود، بعد از قیام بصورتی جدید منتشر نمود. امکاناتی که گروه در صنعت نفت داشت، همگی بخدمت انتشار "پیشاز" درآمد. کمیته ای مرکب از کارگران پیشرو از کارخانجات مختلف بوجود آمده که زیر نظر گروه به سهم خود به تهیه مطالب، بخش پیشاز و مطالب میپرداخت. بزودی پیشاز به برکت فعالیتهای این کمیته و امکانات گسترده در شهرهای مختلف پا به گرفت و به معتبرترین نشریه صنعت نفت تبدیل شد. استقبال فراوان کارگران از "پیشاز" با هیچ نشریه دیگری از این زمینه قابل مقایسه نبود. گروه بمدت ۹ ماه ابتکار انتشار نشریه را به عهد داشت و سازماندهی کارگری خاص خود را برگرد آن بوجود آورد.

اگرچه گروه فعالیت در میان دانشجویان را از دستور کار خود خارج نموده و حتی رفقای دانشجوی خود را به ترک دانشگاه و فعالیت در بخشهای دیگر گروه فرا میخواند، اما بیکبار از کلیه امکانات فعالیت در بخشهای غیر کارگری مرفنظر ننمود. بخصوص امکانات فعالیت در دانش آموزان که برای گروه موجود بود، بخاطر اما دگس و استعداد فراوان این جنبش و شرایطی که گروه میتواند بسط اختتام نیروی کمی بازدهی قابل توجهی در این زمینه حاصل نماید مورد توجه قرار گرفت. از یکسال پیش گروه دانش آموزی فعالی در یکی از شهرستانها در ادامه این سیاست تشکیل شده که فعالیت قابل توجهی را در منطقه ادامه میدهد.

فعالیت در جنبش کارگران بیکار، در شورای مؤسس و نظایر اینها نیز تجربه گروه را در امر زماندهی و مشکلات جنبش کمونیستی و کارگری افزایش میدهد. همچنین گروه از ابتدای تشکیل کنفرانس وحدت در آن بطور فعالی شرکت جست و شرکت خود را تا پایان کار آن بلاوقفه ادامه داد. تجارنی که گروه در حین فعالیتهای خود بدست میآورد به همراه بخشها و بر خوردهای فراوانی که در کنفرانس وحدت صورت میگرفت و مطالبه سیر تحولات مبارزه طبقاتی جامعه بر ضرورت تکیه بر ایدئولوژی پرولتری و وحدت جنبش کمونیستی بر این اساس گواهی میداد. این مسئله که ظاهر آرمیدهایی بنظر میرسد از سوی هر گروهی از همان ابتدای تشکیل آن اعلام میگردد تا هنگامیکه در طول عمل و برخورد و با واقعیتهای احساس نگردد اهمیت خود را نشان نمیدهد.

ما در طول فعالیتهای خود با رها به این واقعیت بر میخوریم که گروههای پراکنده ای نظیر ما اگرچه میتوانند فعالیتهای مؤثری در بسط آگاهی ها و سازماندهی و حتی هدایت عملی و رهبری مبارزات معینی را بعهده بگیرند، اما از بهره برداری کامل از نتیجه پیشرفت برای پیگیری و ارتقاء سطح مبارزه بصورتی عالیترا عاجزند. این

عجز نه تنها از محدودیت تجربه، که دروسا بر ضروریات گسترش و پیگیری در کارها ناشی میشود بلکه همچنین از واقعیات غیر قابل انکار و خاصه از اراده این گروهها در سطح جامعه نیز نشأت میگیرد. با رها به این واقعیت برخورد نمودیم که فعالیت در میان کارگران پس از طی دوره ای از برقراری ارتباطها، تبلیغ و ترویج در محیط کارگری و تشکیل جلسه با کارگران پیشرو و حتی تا نبرد مبارزات جاری و بدست گرفتن رهبری مبارزات معینی در محیطهای کارگری، وقتی به مرزهای جذب کارگران پیشرو به تشکیلات، و حفظ دستاوردهای مبارزاتی و به اجرا درآوردن طرحهای ضروری و جدید برای مقابله با مشکلات میرسد با کمبودهای بزرگی روبرو میشویم.

واقعیت تبلیغاتی و اقدامات شدید و ادامه دار ارتجاع و عناصر فرصت طلب و ناآگاه در محیط، واقعیت رقابتهای شدید و اغلب غیر اصولی جریانها و مختلف سیاسی و حتی گروههای م. ل. با یکدیگر و به علاوه واقعیت انکارناپذیر تمام کارگران و کلاً عناصر پیشرو مبارز محیطهای فعالیت به متکی بودن به یک جریان قوی در بعد اجتماع، واقعیت غیر قابل انکار مقابله با مانده و هستند.

مثلاً هنگامیکه رفقای ما با تلاشهای ثبات نوری مبارزات کارگران یک کارخانه را از ابتدا تا اشغال کارخانه بمدت چهار ماه واداره آنها برای ۲ ماه رهبری نمودند و با انواع وسیله ها و انواع و مشکلات مقابله کردند، و حتی فعالیت خود را تا حد تشکیل اتحادیه کارخانه های مشابه گسترش دادند. در مقابل تهاجم مسلحانه و گسترده عوامل کارفرما و حکومت طرفداران نتوانستند علی رغم وجود شرایط مساعد یک حرکت اعتراضی را در کارخانه ها قیام و در میان کارگران سا پرکارخانه تدا من بیزنند. زیرا که امکانات گروه برای اینکه رأساً به چنین کاری بپردازد زدن چیز بود و پراکنندگی گروههای دیگر نیز چنین شرایطی را ممکن نمیساخت.

مثال دیگر در مورد واقعیت رقابتهای گروههای مختلف را مادر فعالیت در میان کارگران بیکار، خانه کارگران و کورجسالت زمان خانه کارگر مشاهده نمودیم. مشاهده رقابتهای غالباً غیر اصولی کسبه نیروها و میدها را در ادامه به هدر داده و میدهمحنه تأسف باری است که تأسف را آن هنگام بیشتر میکنند که گروه را به لجاجت، مقابله به مشکل و استنتاجات غیر اصولی در مورد اینکه "همه سکتا ریست هستند" و. امثالهم وادار میساخت. همین رقابتهای غیر اصولی را با آنکه در جنبش دانشجویی فعالیت نمیکردیم اما در آنجا شاهد بودیم و در فعالیت خود در جنبش دانش آموزی آن را لمس میکردیم. رفقای که باید یا رومددا که هم میبودند غالباً مزاحم و خشنی کتنده یکدیگر میشوند، ما بتدریج آموختیم که چاره این وضع ناسامان صرفاً تصحیح اخلاقی و مقابله بمثل و امثالهم نیست بلکه این وضعیت است که تا زمان پراکنندگی گروهها اجتناب نپذیر میماند.

نمونه دیگر در مورد تمام کارگران پیشرو یا بیرون کارخانه در محیطهای فعالیت، به آنکه به یک جریان قوی در بعد اجتماع رأی ما بخصوص در مورد فعالیت خود در صنعت نفت "پیشاز" مشاهده کردیم. گذشته از ضعفهای تشکیلاتی و اشباهات درونی ما در خصوص تقسیم مسئولیتهای و اعتماد دسلو حانه به مدافعت واداران جریان دیگر و غفلت از تحولات فکری یکی از رفقای مسئول، اما ما بهر حال این واقعیت نیز غیر قابل انکار بوده و هست که تمام تشکیلات کارگران پیشرو در سطوح عالی تر و برای فعالیت غنی تر، یعنی بعد از آنکه بارها تا مرز معینی پیشرفت میکند، با شکل تمایل این کارگران به تکیه بر جریان قوی در سطح جامعه روبرو میشود. دیگر کافی است که تردیدها و تزلزلات مسئولین مربوطه و نقشه های غیر اصولی آن جریان قوی هم مزید بر علت شوند تا دستاوردهای از فعالیت را از کنترل خارج نماید. در این جا نیز ما بجای برجسته کردن بیش از اندازه ضعفها و مشکلات درونی و نقشه های غیر اصولی جریانها مختلف، به ضرورت درمان درازریشه توجه نمودیم یعنی ضرورت بیدار شدن یک سازمان قوی و گسترده در سطح جامعه. این ضرورت را ما نه تنها از تجارب ناگامی ها بلکه نیز از تجارب پیشرفتهای نیز در مییافتیم که چگونه کار عالی تر با کارگران نیازمند دعوت پیوسته آنها به یک حرکت اجتماعی است و درست بهمین صورت یعنی فعال نمودن و

پرواز شدن عناصر صریح و در این حرکات است که گروه قادر به پیشرفت در امر جذب این عناصر گردد.

مثالهایی که در بالا آمدند تجارب قابل ذکری در رسیدن به این واقعیت بود که جنبش کمونیستی ما باید در قالب یک تشکیلات منجم و گسترده تجلی نماید و در این یک جریان توده‌ای که معمول حداقل حرکت اقشار بیشتر و پرولتاریا و توده زحمتکش باشد قرار گیرد! ما چگونه؟

بموازات تجربیاتی که بدست می‌آوردیم، شرکت ما در کنفرانس وحدت اگرچه نرزی فراوانی را از ما می‌گرفت، اما کانونی بود که راه‌حل‌های مختلف را بیاوردیم. کویی میان تجربیات مصادرها فعالیت‌های جاری و نظراتی که در کنفرانس در پی آن بودیم رابطه مستقیمی برقرار نبود. هرچه تجربیات ما ضرورت ذکر شده در بالا را روشن‌تر و بیخسته‌تر نمایان می‌ساخت، نظرات ما در مورد وحدت نیز تنها مثل میبافت و از التقاط و نقض پاک میشد، بگونه‌ای که ما با نظرالتقاطی "همکاری - مبارزه ایدئولوژیک" که در آن عملاً شروع همکاری‌ها بنا بر ضرورت‌های روزمره جنبش ارجحیت می‌افتد بعنوان تئوری تشکیل یک سازمان اشتقاقی وارد کنفرانس شدیم و با نظر کثونی بعضی ضرورت وحدت ایدئولوژیک جریان‌ها را متناهی می‌ساختند و وحدت جنبش کمونیستی آن را به پایان رسانندیم (مسیری که بعضی از گروه‌ها عکس آن را پیمودند!) نقطه عطف در این تحول برای ما شکست تظاهرات ۱۹ گروه برای شروع همکاری‌ها همه‌جا نیه در چند ماه اول کار کنفرانس بود. تئوری اولیه ما در مورد وحدت جنبش کمونیستی و تظاهرات انجام شده در اینباره تا آن موقع محدودی برای ما قابل قبول و دفاع بود که به تحت ایدئولوژیک میان گروه‌ها آگاهی نداشتیم و با فرض وجود وحدت نظر در خطوط کلی ایدئولوژیک برای پایه می‌فکریم. این تصور عمومی کنفرانس بود که گویا با فرموله کردن چند خط پایه این وحدت نظر در کلیت خود حاصل است و تنه‌ای انطباق آن با معیارهای تشکیلاتی مانع اساسی کارهاست.

هنگامیکه تئوری سازمان اشتقاقی بعد از شکست تظاهرات ۱۹ گروه عملاً و بنوبه خود شکست خورد، تجدیدنظر در نظرات خود پیرامون وحدت را ضروری دیدیم اما نه هنوز بخاطر لزوم وحدت ایدئولوژیک - بلکه به عنوان پیش شرط طرح‌های عملی وحدت، بلکه بخاطر اینکه دریا قسیم که آن تئوری در شرایط حاکم بر جنبش کمونیستی و بخصوص کنفرانس عملی نیست و به قانومندی‌های حاکم بر آن نمی‌خورد. کنفرانس بخاطر خودداری از ورود به مباحث دیگری غیر از طرح‌های وحدت واقعیت اختلاف ایدئولوژیک را پوشیده نگذاشت. و این وضعیت در برخورد ده‌گانه بیرون کنفرانس هم ادامه می‌یافت. بطوریکه هنوز هیچ گروهی نظرات دقیق و مشخصی را در رابطه با مسائل استراتژیک (اهداف و نقش طبقات در انقلاب) و تاکتیکی (شعارها و سیاستها و تحلیل‌های روز) ارائه ندادند و بیشتر غرق تطبیق خود با شرایط جدید فعالیت و مشکلات ناشی از ضرورت گسترش و غیره بودند. اشتباه ما در این بود که پوشیده ماندن اختلافات ایدئولوژیک را دلیل عدم وجود آن میدانستیم که این اشتباه ما سیاست عدم دقت در نظرات درونی خود و دیگران و عدم تشخیص ضرورت ارائه مدون تحلیل‌ها و نقطه نظرات تئوریک خود و طرح آن با سایر گروه‌ها دنبال شد. اما طولی نکشید که تحولات سریع اوضاع سیاسی در جامعه کاری را که میبایست خود آگاهانه و از همان ابتدای گردهم‌آیی انجام میدادیم بجا تحمیل نمود (با روشن شدن بعداً اختلافات در مسائل استراتژی و تاکتیکی راه‌حل وحدت بر اینها دیگر تنها یک چیز بود: روشن نمودن مرزبندی‌ها و وحدت بگردن نقطه نظرات واحد، تئوری سازمان اشتقاقی که قبلاً در عمل شکست آن را مشاهده کردیم اکنون میبایست در تئوری نیز شکسته شود. و این کارها تا حدود زیادی در "ویژه‌نامه وحدت" منتشره در خرداد ۵۸ از سوی ما صورت گرفت و از آن پس نیز بتدریج نظرات ما از التقاطی باقی مانده پاک گردید.

تجرباتی که گروه بدست می‌آورد و پیروسی‌های که برای وحدت جنبش کمونیستی از آن گذر نمود تحولات فکری را که از مدت‌ها قبل حتی قبل از اعلام موجودیت گروه در بین رفقای اولیه گروه شروع شده بود تصبیح

و تکمیل نمود. مشاهدات و مطالعات وضعیت جامعه و چگونگی شکل‌گیری شرایط انقلابی و نقش اقشار و طبقات مختلف آن بر برخی از بارها و اولیه در مورد روابط غالب بر جامعه و نقش پرولتاریا ملی در انقلاب دمکراتیک که تا قبل از او و دیگری جنبش انقلابی بر علیه رژیم شاه عمدتاً در اشرافی‌گری و اکتفا به تحلیل‌های طبقاتی و تجسار ب انقلاب در سایر کشورها و برداشتهای ناقص از انقلاب مارکسیستی لنینیستی حاصل شده بود خط بطلان کشید. در دوره فعالیت گروه قبل از قیام بررسی‌های تئوریک و تدوین خط مشی شدت تحت الشعاع فعالیتها روزمره در میا شد. گروه در اکتوبر ۵۸ این بررسی‌ها را در دستور کار خود قرار داد تا علاوه بر بررسی مبانی تئوریک غالب بر گروه بسط تحلیل و تدوین خط مشی در شرایط جدید و مبارزات طبقاتی دست یابد. اگرچه این کار به علت کثرت اشتغالات عملی و روزمره گروه آنطور که با بدبختی مذکور و در مرزبندی با جریان‌های مختلف تدوین شد، اما جمع بندی‌های درونی در تحلیل‌ها و سیاست‌های غالب بر گروه بکار گرفته شد. گروه در میانه ۵۸ به اشتغال جزوه‌ای در تحلیل‌ها از مبارزات طبقاتی جاری، دورنمای آن و وظایف جنبش کمونیستی پرداخت که منتج از بحث‌های درونی بوده و خط مشی گروه را تا حدود زیادی روشن می‌کرد و تحولات جامعه صحت ارزیابی‌های ذکر شده در آن تحلیل را نشان داد. در ادامه این کوشش گروه از حدود هشت ماه پیش به اشتغال رفتگی تحلیل‌های کوتاه و ساده (شب‌نامه) از مسائل جامعه پرداخت که علاوه بر اینکه با پخش آن در میان توده مردم و وظایف تبلیغی و ترویجی خود را تا حدودی پیش میبرد، به انجام درونی گروه کمک بزرگی نمود و فعالیت‌های اشتغالی جزوه‌ها و هسته‌های مختلف گروه را در یک خط واحد قرار میداد.

مجموعه عوامل ذکر شده در بالا یعنی تلاش برای تدوین خط مشی مارکسیستی - لنینیستی، تجارب عملی و پیروسی‌های که گروه در ارتباط با امر وحدت جنبش کمونیستی گذراند، از چند ماه پیش گروه را به یک جمع بندی کلی از چگونگی حرکت خود در آینده کشاند. ما راه وحدت با جریان‌هایی که آنرا از همه نزدیکتر بخود میبایستیم اختیار نمودیم تا با کیفیتی بهتر و با مادی گسترده‌تر در عرصه‌های مختلف مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جنبش انقلابی توده‌های مردم مبارزه کنیم. بر این خاطر تماس‌هایی که از قبل با رفقای رزمندگان موجود بود بصورتی فعال در ادامه بحث بیرونی بر نامه پیشنهادی رفقا و بررسی مایه‌ها مسائل ضروری برای وحدت، با اتفاق نظر بیرونی بر نامه، مبانی اساسی و روش‌حل مسائل درون تشکیلاتی شرایط وحدت حاصل گردید.

اکنون ما خرسند از بیبایان رسانیدن دوره‌ای از فعالیت در یکی از بحرانی‌ترین و بیخبرترین شرایط انقلابی جامعه‌مان که انبوهی از دردها، از نا کامیها و موقفیتها را بر اینان بجای گذارده است، کارنامه "کمیته‌نبرد" را میبینیم تا بشکلی جدید و عالی تر آرزوهای والی جنبش کمونیستی را دنبال کنیم. \*

